

شیطان بزرگ - آمریکا در برابر ماست متحد باشیم!



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۸۷
شبه ۱۵ آذر ۱۳۵۹ ، مطابق با
۲۷ محرم ۱۴۰۱ ، به ۱۵ رزال

در سروز گذشته در تمام جبهه‌ها:

رزمندگان انقلاب بابر تری قدرت آتش، تلفات سنگینی به متجاوزان وارد کردند

نیروی مدافعان انقلاب با تجاوزگران رژیم سدام در تمام جبهه‌ها با پشت تمام ادامه دارد و رزمندگان انقلاب توانسته‌اند ضربات مهلکی بر متجاوزین وارد آورند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۲۷ خود عملیات رزمی روزهای ۱۲ و ۱۳ آذر را بدین شرح اعلام کرد:

دفعه: عملیات ۱۳ آذرماه - ۱ ساعت ۱۰ صبح دیروز (بج شنبه) توپخانه دوربرد نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران تاسیسات اقتصادی و حیاتی فاو را زیر آتش قرار داده و خساراتی به آنها وارد کرد. ۲- در ساعت ۱۰:۳۵ روز گذشته (پنجشنبه) نیروهای ارتش جمهوری

اسلامی ایران با خیابانه‌انداز مواضع و سنگرهای دشمن متجاوز را در منطقه آبادان در هم کوبید که بر اثر آن یک چادر مهمات دشمن منهدم شد. ۳- ساعت ۱۱ با تعداد دیروز (پنجشنبه) نیروهای دشمن در منطقه الدرید و حوالی آن به شدت زیر آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی واقع و صدماتی به آنها وارد شد. ۴- توپخانه رزمندگان اسلام مستقر در خوین شش مواضع نیروهای دشمن در ام‌الزمام را گلوله باران کرد که در نتیجه قسمتی از گارد مرزی عراق ناچار به عقب‌نشینی شد.

ب: عملیات ۱۲ آذرماه - ۱- در منطقه آبادان رزمندگان هواپیمایی نیروی زمینی، هوایروز،

بحران پولی (کمبود اسکناس) عمدی است باید با عوامل ایجاد کننده آن قاطعانه مبارزه کرد

در پایان جلسه هیئت دولت (۱۰ آذر ۵۹) آقای مصدق‌رچانی نخست‌وزیر در یک مساجحه رادیویی مشکلات ناشی از بحران نقدینگی یا کمبود اسکناس را بدینصورت توضیح داد:

بحران نقدینگی، که به کمبود اسکناس در جریان، در شعب بانکها، در معاملات و در دست مردم انجامیده، بحران ناشی از گرفتاریهای فنی در امر چاپ و توزیع بموقع اسکناس‌های جدید است.

نخست‌وزیر یادآور شد که با بحران تکذاشتن اسکناسهای موجود در بازار، خودداری کسبه از بازگشت دادن نقدینگی به بانکها، پیدایش تمایل به حفظ اسکناس و پول نقد در نزد مردم و همچنین این امر که چاپ و انتشار اسکناس‌های جدید بموقع صورت نگرفته و پیش‌بینی‌های لازم در این کار بعمل نیامده، و نیز عوارض ناشی از جنگ، که مانع از نقل و انتقال طبیعی نقدینگی از یک شهر به شهر دیگر گردیده

همه اینها موجبات بحران کنونی را بصورت کمبود نقدینگی و اسکناس در جریان فراهم آورده است.

آقای نخست‌وزیر در مساجحه خود، ضمن دادن این وعده که حداکثر تا یکماه دیکی مقدار لازم اسکناس وارد و جریان خواهد افتاد و همچنین از امکانات موجود داخلی نیز برای افزایش اسکناس در جریان استفاده بعمل خواهد آمد، از مردم تقاضا کرد که پولهای اضافی را نزد خود نگاه ندارند.

نخست‌وزیر از مردم خواست که پولهای خود را به بانکها سپارند، تا به بهترین وجه از نقدینگی آنها محافظت بعمل آید و هم گردش پول در کشور وضع عادی خود را بازیابد.

نخست‌وزیر هم چنین از مردم خواست که در صندوقهای پس‌انداز حساب بازکنند و از این راه نیز به گشایش در امر گردش اسکناس و پول و بر رفع بحران کمک شود.

اظهارات نخست‌وزیر در مساجحه

را با روح انقلاب ضدامپریالیستی و خلتی خود هماهنگ سازیم. ما می‌توانستیم چاپ کتابهای جدید را بوقوع آغاز کنیم، تا چنین پیش نیاید که چند ماه پس از شروع سال تحصیلی، هنوز برخی کتابها در دسترس دانش‌آموزان نباشند. ما می‌توانستیم از نیروی جوان مومن به انقلاب در وزارت آموزش و پرورش و در مطبوعات معلمي و دبیری، که باور به انقلاب دارند، چنان استفاده کنیم که امروز برخی کلاسها و رشته‌ها فاقد معلم نباشند.

متاسفانه در گذشته عده‌ای از مسئولان، بدون توجه به تمامی مسائل عمده آموزش و پرورش، یک‌بندی عمل کرده و توجه خود را فقط به امر پاکسازی معطوف داشته‌اند، آنهم غالباً نه از مجرای صحیح و استوار بر معیارهای درست. آنان ضوابط پاکسازی را چنان تعیین کردند که بسیاری از معلمان و دبیران مجسرب و انقلابی، فقط به دلیل «چپ‌بودن، ازوزارت آموزش و پرورش پاکسازی شدند، و این در حالی بود که بسیاری از عناصر ضد انقلابی، با مسلمان‌نمایی در مشاغل خود باقی ماندند. با توجه به این واقعیت تلخ است که آقای دکتر باهر می‌گوید:

بته در صفحه ۷

ضرورت تحول انقلابی در آموزش و پرورش

درست بدلیل این پیوند وسیع با کل جامعه است که هر گام مثبت وزارت آموزش و پرورش، اثرات نیکو در سراسر جامعه باقی می‌گذارد و هر اقدام منفی آن زیانها بیار می‌آورد و به ضد انقلاب برای تحریک و تقویت بنهانه می‌دهد. از اینجاست که سیاست متخذه از سوی این وزارتخانه درباره مسائل گوناگون آموزشی باید چنان دقیق و صحیح انتخاب شود، که هم تمام ضوابط طاغوتی گذشته را زیر و بر کند و تحول کیفی در آموزش و پرورش پدید آورد و هم ضدانقلاب را خلع‌سلاح کند، امری که در گذشته متاسفانه توجه کافی به آن نشده است.

آقای دکتر باهر در سخنرانی در مورد گسترش مدارس در روستاها و ایجاد امکانات وسیع برای نوآموزان و دانش‌آموزان سراسر کشور، ایجاد تعادل در استفاده از فضای آموزشی و از میان برداشتن تفاوت‌های چشمگیری که در این زمینه، میان مدارس شمال و جنوب مشهود وجود دارد، پاکسازی کتابهای درسی از آثار طاغوتی، غنی ساختن محتوای آموزشی، گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای، توأم ساختن آموزش شفاهی با کار عملی بیان داشت، که همه و همه مسائلی است، مهم، درست بدلیل این پیوند وسیع با کل جامعه است که هر گام مثبت وزارت آموزش و پرورش، اثرات نیکو در سراسر جامعه باقی می‌گذارد و هر اقدام منفی آن زیانها بیار می‌آورد و به ضد انقلاب برای تحریک و تقویت بنهانه می‌دهد. از اینجاست که سیاست متخذه از سوی این وزارتخانه درباره مسائل گوناگون آموزشی باید چنان دقیق و صحیح انتخاب شود، که هم تمام ضوابط طاغوتی گذشته را زیر و بر کند و تحول کیفی در آموزش و پرورش پدید آورد و هم ضدانقلاب را خلع‌سلاح کند، امری که در گذشته متاسفانه توجه کافی به آن نشده است.

آقای دکتر باهر در سخنرانی در مورد گسترش مدارس در روستاها و ایجاد امکانات وسیع برای نوآموزان و دانش‌آموزان سراسر کشور، ایجاد تعادل در استفاده از فضای آموزشی و از میان برداشتن تفاوت‌های چشمگیری که در این زمینه، میان مدارس شمال و جنوب مشهود وجود دارد، پاکسازی کتابهای درسی از آثار طاغوتی، غنی ساختن محتوای آموزشی، گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای، توأم ساختن آموزش شفاهی با کار عملی بیان داشت، که همه و همه مسائلی است، مهم، درست بدلیل این پیوند وسیع با کل جامعه است که هر گام مثبت وزارت آموزش و پرورش، اثرات نیکو در سراسر جامعه باقی می‌گذارد و هر اقدام منفی آن زیانها بیار می‌آورد و به ضد انقلاب برای تحریک و تقویت بنهانه می‌دهد. از اینجاست که سیاست متخذه از سوی این وزارتخانه درباره مسائل گوناگون آموزشی باید چنان دقیق و صحیح انتخاب شود، که هم تمام ضوابط طاغوتی گذشته را زیر و بر کند و تحول کیفی در آموزش و پرورش پدید آورد و هم ضدانقلاب را خلع‌سلاح کند، امری که در گذشته متاسفانه توجه کافی به آن نشده است.

آقای دکتر باهر در سخنرانی در مورد گسترش مدارس در روستاها و ایجاد امکانات وسیع برای نوآموزان و دانش‌آموزان سراسر کشور، ایجاد تعادل در استفاده از فضای آموزشی و از میان برداشتن تفاوت‌های چشمگیری که در این زمینه، میان مدارس شمال و جنوب مشهود وجود دارد، پاکسازی کتابهای درسی از آثار طاغوتی، غنی ساختن محتوای آموزشی، گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای، توأم ساختن آموزش شفاهی با کار عملی بیان داشت، که همه و همه مسائلی است، مهم، درست بدلیل این پیوند وسیع با کل جامعه است که هر گام مثبت وزارت آموزش و پرورش، اثرات نیکو در سراسر جامعه باقی می‌گذارد و هر اقدام منفی آن زیانها بیار می‌آورد و به ضد انقلاب برای تحریک و تقویت بنهانه می‌دهد. از اینجاست که سیاست متخذه از سوی این وزارتخانه درباره مسائل گوناگون آموزشی باید چنان دقیق و صحیح انتخاب شود، که هم تمام ضوابط طاغوتی گذشته را زیر و بر کند و تحول کیفی در آموزش و پرورش پدید آورد و هم ضدانقلاب را خلع‌سلاح کند، امری که در گذشته متاسفانه توجه کافی به آن نشده است.

آقای دکتر باهر در سخنرانی در مورد گسترش مدارس در روستاها و ایجاد امکانات وسیع برای نوآموزان و دانش‌آموزان سراسر کشور، ایجاد تعادل در استفاده از فضای آموزشی و از میان برداشتن تفاوت‌های چشمگیری که در این زمینه، میان مدارس شمال و جنوب مشهود وجود دارد، پاکسازی کتابهای درسی از آثار طاغوتی، غنی ساختن محتوای آموزشی، گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای، توأم ساختن آموزش شفاهی با کار عملی بیان داشت، که همه و همه مسائلی است، مهم، درست بدلیل این پیوند وسیع با کل جامعه است که هر گام مثبت وزارت آموزش و پرورش، اثرات نیکو در سراسر جامعه باقی می‌گذارد و هر اقدام منفی آن زیانها بیار می‌آورد و به ضد انقلاب برای تحریک و تقویت بنهانه می‌دهد. از اینجاست که سیاست متخذه از سوی این وزارتخانه درباره مسائل گوناگون آموزشی باید چنان دقیق و صحیح انتخاب شود، که هم تمام ضوابط طاغوتی گذشته را زیر و بر کند و تحول کیفی در آموزش و پرورش پدید آورد و هم ضدانقلاب را خلع‌سلاح کند، امری که در گذشته متاسفانه توجه کافی به آن نشده است.

مجروحان انقلاب: ملت هوشیار ایران ... هشت محکمی به دهان مر تجعین انقلابی نما خواهد زد

مجروحان انقلاب، این جان‌باذایی که از دروازه شهادت بازگشته‌اند، طی اطلاعیه‌ای، توطئه‌های «شستی»‌های کنونی را علیه انقلاب و روحانیت مبارز محکوم کردند. در این اطلاعیه آمده است:

... (آنها) که در دیار غرب، ضمن مبارزات لیبرالیستی‌شان، افکار و تبلیغات غربی در وجودشان متبلور شده است، با هسان روشهای تبلیغاتی با نام اسلام یا اسلام و روحانیت اسلامی، که پرچمدار مکتب و انقلاب اسلامی

ما هستند، مبارزه برخاسته و قصد آن دارند که نقش روشنفکران غرب‌زده‌ای چون «شستی‌ها» را در انقلاب مشروطیت بازی تصانیف، غافل از اینکه ملت هوشیار ایران بار دیگر فریب‌انگیزانه سیاست‌های استعماری و کینه شده را نخواهد خورد و هشت محکمی به دهان این مرتجعین انقلابی‌نما خواهد زد.

در بخش دیگری از این اطلاعیه، مسئولین انقلاب، عملیات نقاب - افکنانه را محکوم کرده و متذکر

شده‌اند که اجازه نخواهند داد انقلاب اسلامی ایران نداشته‌اند و با پیروزی انقلاب، که با خون آنها عین شده است، توانستند به کشور بازگردند، خود را میراث‌خوار انقلاب بدانند و قصد آن کنند که ملت مبارز ایران و روحانیت متعهد و مبارز را از صحنه خارج سازند و مابین اسلامی را به آنها ببرند، که روشنفکران غرب‌زده دوران مشروطیت و پس از آن بودند.

بته در صفحه ۷

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: بار سنگین انقلاب همواره بر دوش طبقه مستضعف بوده است

مراسم نماز جمعه دیروز نیز با حضور هزاران تن نمازگزار برگزار شد. پیش از آغاز خطبه‌های نماز جمعه، آقای شجوی، نماینده مجلس شورای اسلامی، سخن گفت و سپس حجت‌الاسلام مصلحی، خامنه‌ای امام جمعه تهران، خطبه‌های نماز را قرائت کرد. وی در بخشی از سخنان خود ضمن دعوت مردم به کمک به دولت، گفت:

«می‌دانید که بعد از انقلاب کارشکنی‌های دستگاه‌های جبار چقدر بوده. این سندهای افشاده تکان‌دهنده لانه‌جاسوسی، خیلی از مسائل را برملا کرد. در این سندها آنوقت شغیدید یا در روزنامه‌ها خواندید که آمریکایی‌ها می‌گفتند که اگر توانستیم بدون دخالت نیروی خارجی این حکومت را و این جمهوری را ازین ببریم، اینکار را می‌کنیم و اگر موفق نشد، ازیک نیروی نظامی یکی از «مسایگان ایران کمک خواهیم گرفت تا اساساً این جمهوری را ازین ببریم و در این مدت دوساله، نزدیک به دوساله، هرچه توانسته‌اند در این راه انجام داده‌اند. آخرینش را دارید می‌بینید. آن قدرت نظامی همواره، آن قدرت نظامی پوشالی بعثیان عراقی منفور و مزدور بود که انشاءالله این قدرت دیگر باقی نخواهد ماند و متجاوزان درخاک ایران و صحراهای گرم خوزستان دفن خواهند شد.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود:

«از طرف دولت به شما گفته شد که چون اسکناس کم است، پولهای خود را در بانک نگه‌دارید... این توصیه‌ایست که مردم باید عمل کنند. این یک وظیفه است و مردم عمل هم کردند.»

امام جمعه تهران، سپس به جانبازهای مردم در مقابله با توطئه‌های دشمنان اشاره کرد و بویژه بر جانبازی مستضعفان تأکید کرد و گفت:

«بینید... مخصوصاً این طبقه‌ای که بار سنگین انقلاب، همواره بردوش او بوده است در این مملکت، طبقه مستضعف چگونه فداکاری می‌کند.»

بته در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

شیطان بزرگ...

بقیه از صفحه ۱

سربلندی، همه توطئه‌های امپریالیسم جهانی بر سرکردگی آمریکا ضدانقلاب داخلی پرورده آن را نقش بر آب ساخته و چندین مصاف تاریخی را با پیروزی به پایان رسانده است. بیژرگترین و برنده‌ترین سلاح مردم انقلابی کشورما در این نبردهای نابرابر علیه دشمنان داخلی و خارجی، اول - ایمان راسخ و خلل‌ناپذیر به حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دوم - اتحاد بیون‌ترزل مردم پریایه این ایمان انقلابی زیر رهبری امام خمینی بوده است.

دشمنان خارجی و داخلی، یعنی امپریالیسم، بر سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب داخل پرورده آن، باین دو سلاح برنده - رب وقوف کامل دارند و لذا تمام کوشش خود را متوجه این هدف موزیانه و حیل‌گراانه کرده‌اند که: اولاً - ایمان به حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در مردم‌ها متزلزل کنند و ثانیاً با استفاده از این ترزل، اتحاد مردم را متلاشی، صفوف متحد مردم را متفرق و کار سنگر انقلاب را به هم‌زیمت و انهدام بکشانند.

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی ستون‌بنج آن، برای نیل باین هدف از وسائل گوناگونی استفاده میکنند:

اولاً می‌کوشند عمده‌ترین مسئله، یعنی واقعیت انقلاب را در کشور ما ایجاد کرده و ضرورت دفاع از این انقلاب را، بدرجه دوم اهمیت ببرند، ولی مسائل غیرعمده زندگی جامعه را بمسائل عمده مبدل سازند و از این مسائل مردمی، که اساساً به امپریالیسم و ضدانقلاب مربوط نیست، بسود خود بهره‌گیری کنند.

مثلاً فلان شعار حق، از آن خلق است، ولی خلق بی‌خاطر مسئله عمده‌تر، که حفظ انقلاب و تداوم و تعمیق آنست، فعلاً این حق خود را آگاهانه مسکوت می‌گذارد. اما دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، این شعار حق را از مردم‌غصب میکنند و بزور عوام‌فریبی و هوچیگری

و جنجال و بمثابه صدها تریه خواست، که اگر برآورده نشود، دنیا ویران خواهد شد!، مطابق با هدف ضدخلق خود مطرح میکنند، تا عمده‌ترین مسئله این مرحله، که حفظ تداوم و تعمیق خود انقلاب است، بصورت غیرعمده و تابع درآید، یا مثلاً، پار مشکلات گوناگونی بگرداند و محرومان و زحمتکشان است. ولی درحالی‌که خود زحمتکشان و محرومان آگاهانه و بی‌خاطرات انقلاب و با زیرکوارگی این بار را تحمل می‌کنند، خربولان، که خود غارت‌کنندگان این مردم محرومند، هم به این مشکلات دامن می‌زنند و هم آنرا عمده میکنند!

و یا حزبی مانند حزب توده ایران، که قریب‌چهل سال است علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه استقلال و آزادی و ترقی ایران و سعادت مردم زحمتکش آن می‌رزد و در این راه دهها هزار قربانی داده، مرکز و دفاتر شتابحق مورد اشغال غیرقانونی قرار میگیرد (که هنوز هم ادامه دارد) و با وجود این و بی‌خاطرات حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ضمن اعتراض به این عمل غیرقانونی و غیرعادلانه، از کوچکترین حرکتی که خللی به ارکان نظام انقلابی کشورمان وارد سازد، خودداری میکنند. ولی متخلفان خط ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب، یعنی لیبرالها، با اینکه انواع مقامات و امکانات را در اختیار دارند و آزادانه هر کار بخواهند میکنند، باسوءاستفاده از واقعیت‌هایی که اینجا و آنجا در زمینه نقض «امنیت قضائی» و «قانونیت» و «آزادی» وجود دارد، در عجز از آزادی، مرتبه برمی‌دهند و برای در هم‌ریختن وحدت خلق جنجال می‌بازند.

و تکیه غیرعمده‌های عمده را گرفت دیگر مراد دشمنان انقلاب حاصل است. براین روال، می‌توان بی‌خاطر هر کمبود غیرعمده‌ای که در کار حکومت انقلاب مشاهده میشود سولو در جای خود بحق و واقعی - مستقیماً بر انقلاب، که عمده در نتیجه عدم آگاهی مسئولین و هم بیشتر برائی مقاومت عناصر لیبرال صورت نگرفت. در نتیجه هم پول ریال ایران در دوران پس از انقلاب کم‌اعتبار شد و هم ضد انقلاب توانست به تخریب در سیستم مالی و بانکی کشور بپردازد.

غافلگیرانه اقدام می‌شد، تنها در اینصورت بود که اسکناس‌هایی که در اواخر سلطه طاغوت بخارج کشور انتقال داده شده بود، به اعتبار می‌گرفتند و جلوه‌های بیکاری - های ضدانقلاب در امور مالی و پولی کشور گرفته می‌شد. متأسفانه چنین اقدامی، هم در نتیجه عدم آگاهی مسئولین و هم بیشتر برائی مقاومت عناصر لیبرال صورت نگرفت. در نتیجه هم پول ریال ایران در دوران پس از انقلاب کم‌اعتبار شد و هم ضد انقلاب توانست به تخریب در سیستم مالی و بانکی کشور بپردازد. مسئله ملی کردن بانکها و ارقام ارزی و کوتاه کردن دست سرمایه‌های خارجی و جلوگیری از خروج بیرونی ارز بنامهای گوناگون، که ارتباط ناگسستی با ملی کردن بانکها خارجی و اقدامات نظیر آن دارد، از جمله کارهای اساسی دیگری بود که باید بلافاصله پس از انقلاب صورت می‌گرفت و بطور ضروری و غافلگیرانه به اجرا گذاشته می‌شد. چنانکه می‌دانیم این کارها نیز با مقاومت‌های جدی از جانب سرمایه‌داران وابسته و عوامل آنها در دستگاههای پولی و بانکی کشور مواجه بود و هنوز هم در موارد بسیاری، تصمیمات درست اتخاذ شده یا به اجرا در نیامده و یا به شکل نیمه‌کاره و غیرقاطع به اجرا گذاشته شده است.

ضد انقلاب چه چیز جدیدی در برابر انقلاب می‌گشاید

احمال و مسامحه در اتخاذ و اجرای تصمیمات اخیر نیز امری بود که بالطبع به سیستم پولی و بانکی کشور لطمه وارد می‌ساخت و به اعتبار آن صدمه می‌زد، و این همان چیزی است که ضد انقلاب در کسین آن نشسته بود. در نتیجه مجموعه این جریانات بود که ارزش ریال سرمایه‌ها کاهش یافت، قدرت خرید آن تقلیل پیدا کرد و تورم و گرانی وضع فوق‌العاده‌ای بخود گرفت، وضع اخیر از یک طرف مورد سوءاستفاده

معنوی و روحی واقعی در صفوف انقلاب وجود آورد. لایحه می‌کشند در صفوف نیروهای پشتیبان جمهوری اسلامی ایران و قبل از همه در میان روحانیت مبارز و هواداران سوسیالیسم علمی نفاق، خصومت و حتی تصادم بوجود می‌آورند. از سویی برای روحانیت مبارز پرورنده «القاء ایدئولوژی» درست میکنند و هر کار ضدامپریالیستی و انقلابی و مترقی و مردمی آنها را با برچسب «برنامه مارکسیستی» مسود و هوچیگری و تخطئه قرار میدهند، و از سوی دیگر دفاع صادقانه و جان‌برکف حزب توده ایران را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران «سالیسی» «نیرنگ» و غیره می‌نامند و برای آن پرورنده مخالفت با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌سازند.

از سویی با تحریک پیشداوری‌هایی که تبلیغات سی‌ساله ضد توده‌های سیه و ماساد و اینتلجینس سرویس و ساواک شاه ملعون بر جامعه ما باقی گذاشته، برخی محافل صدیقی، ولی ناگاه راهب گفتارها و کردارهای ناروای ضد توده‌های تحریک می‌کنند - که مانوئیستی و «ترجیهای پوک» دیگر در این تحریکات و خرابکاریها نقش ویژه‌ای دارند و از سویی دیگر با استفاده از اختلافات شخصی و گروهی و ذهنیگری، در داخل صفوف خود مسلمانان انقلابی و روحانیت مبارز هم تلاطم و بگومگو بوجود می‌آورند. ثالثاً روحانیت مبارز بر رهبری امام خمینی را مورد حمله قرار میدهند تا این سند رهبری انقلاب را تضعیف کنند و بزرگترین سد سیاسی موجود را از سر راه امپریالیسم و ضدانقلاب بردارند.

در سبیل «امپریالیسم خیر» در منجانب روحیات و اخلاقیات بی‌بندوبار فاسد مصرفی موروث رژیم طاغوت، در میان امواج ظلمتی که رژیم طاغوت و ساواک منوروش یکمک مانوئیستی و دیگر ضدانقلابیون برپا کرده‌اند، در برابر «جنود شیطان» سیا و ساواک و ماساد و اینتلجینس سرویس و فراماسونری و غیره که نیم‌قرن در این کشور اسیر و بلازده ما پرورده شده و تعلیم یافته و با هزار پرده و نقاب بیان مردم ساده و

صافدل رها شده‌اند، در میان تبلیغات و فعالیت‌های لیبرالها - که چاهه‌صاف کن ضدانقلاب‌اند - در یک چنین محیطی و با درک این واقعیت که انقلاب ایران نیست امپریالیسم آمریکا را شکسته و آمریکا باین آسانی از گریبان ما دست‌بردار نخواهد شد، انقلابیون ایران باید هشیاری خود را هزار چندان کنند.

باید از روی درک و آگاهی و با چشم باز ایمان به حقانیت انقلاب را از هر گزند مصون داشت و برپایه این ایمان انقلابی، نیروهای صدیقی به انقلاب را سازه قوم و قبیله و مسلک و عقیده‌ای - زیر رهبری امام خمینی، چون مردمک دیده حفظ کرد.

ما توده‌ایا بنویه خودباین ضرورت‌های زمان خود و تاریخ مبین و خلق خود آگاهی کامل داریم و به آنچه بدیگر مبارزان انقلابی توسیبه می‌کنیم، ما خود عمل کرده‌ایم و می‌کنیم. هیچ‌وسوسه‌ای نتوانسته و نخواهد توانست درکی را که بر اساس علم از انقلاب بزرگ ایران داریم، مخدوش سازد و هیچ فسطه و گردوخاکی نخواهد توانست ما را از تشخیص واقعیت‌های مبین خود، انقلاب خود و نیروی رهبری‌کننده این انقلاب عاجز و یا منحرف کند.

این تلاش خستگی‌ناپذیر، در راه اتحاد نیروهای انقلابی و خلقی، در راه وحدت خلق، از آنجاست که ما شاهد فجایع بزرگی در تاریخ کشور خود بودیم و اگر دیگران هم درس‌های تاریخ را فراموش کرده باشند، ما بر حسب سوابق عظیم تاریخی خود، حق‌نداریم و نمی‌توانیم که ناپائیدان و چاه رابینیم و خاموش بنشینیم. در گذشته دور، ما توده‌ایا همانند امروز فریاد اتحاد می‌کنیدیم، ولی کسانی آنرا نشنیدند و جنبش انقلابی‌را به شکست رساندند.

حالا هم، بشهادت تاریخ، ما فریاد اتحاد می‌کنیم. باشد که این بار این ندای حق بازتاب بحق را داشته باشد و جنبه متحد خلق را، که مطمئن‌ترین و ثبته برای پیروزی قطعی و نهایی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و ایجاد ایرانی مستقل، آزاد، آباد و مترقی است بوجود آورد.

یک‌زمان و در مورد کلیه پولها و بطور غافلگیرانه صورت گیرد، تا هیچ کس نتواند از این کار مهم دولتی و انقلابی سوءاستفاده کند. ضمناً جز مبلغ متوسطی معینی، که بصورت جاری تعویض خواهد شد، معیار تعویض بقیه پولها با اسکناس جدید، باید پولهای باشند که اشخاص در بانکها دارند. غیر از این راه دیگری برای خارج کردن اهرم پولی - مالی از دست سرمایه‌داران وابسته و عوامل ضدانقلاب، که به پشت‌کرمی امپریالیسم و اهرم‌های قوی پولی و مالی آن، به ضدیت با جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند، وجود ندارد.

فمنما باید خاطر نشان ساخت که اقدام اخیر از نظر رفیع عاوقب سومی که جنگ تجاوزکارانه رژیم جنایتکار صدام بی‌آزوده و مالا قسمتی از پولهای کشور در مناطق اشغالی به چنگ آنها افتاده، ضرور است. بدون اینکه این پولها و بولهای را که ضد انقلاب تصرف کرده و در اختیار گرفته، از راه نشر اسکناس‌های جدید بطور یک‌زمان و غافلگیرانه از اعتبار بیاندازیم، حتی در اقدامات خود به منظور نوسازی اقتصاد پس از جنگ و رفع مشکلات آن نیز نخواهیم توانست موفق باشیم.

البته این اقدامات به‌مذاق سرمایه‌داران وابسته و آنها که پول کشور را نیز احتکار میکنند، خوش نمی‌آید. بهمین جهت طبیعتاً این عناصر با تمام قوا از انجام این اقدامات جلوگیری خواهند کرد. اما باید دانست که برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن و بازگشت ناپذیر ساختن پیروزیهایی که تا به امروز در مبارزه علیه امپریالیسم - به سرکردگی امپریالیسم، و عمال داخلی آن نصیب مردم ایران شده است، راه دیگری نیست جز آنکه بجلو برویم و امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته و عوامل ضدانقلاب را از مواضع مهم دیگری، که هنوز در اختیار آنهاست سوسیستم پولی و بانکی یکی از آنهاست - کاملاً طرد کنیم.

آیت‌الله دکتر بهشتی: شما (لیبرال‌ها) این آزادی را فقط برای ۵ درصد جامعه چیز خوب میدانید

آیت‌الله دکتر بهشتی رئیس دیوانعالی کشور روز پنجشنبه به‌مدانظیر در محل کانون فرهنگی ابوذر در خزانه قلم‌مرغی تهران در حضور هزاران نفر از مردم، طی یک سخنرانی، مطالب مهمی در مورد لیبرالیسم بیان کرد. دکتر بهشتی در این سخنرانی سیستم اقتصاد مورد نظر لیبرالها را مورد بررسی قرار داد و «آزادی» مورد نظر این افراد را شرح داد. دکتر بهشتی همچنین گفت: ما اگر می‌گوئیم از حاکمیت و حکومت لیبرالها بر جمهوری اسلامی ایران احساس نگرانی می‌کنیم، از باب اینست که ما عینیت این حاکمیت را در زادگاه تفکر لیبرالیستی (کشورهای اروپایی) دیده‌ایم و شنیده‌ایم... که آنجا راه به‌سوی تباهی انسان گشوده است نه به‌سوی شکوفایی انسان....

دکتر بهشتی در بخشی از سخنان خود به دیدگاه‌های لیبرال‌ها درباره سیستم اقتصادی اشاره کرد و از جمله گفت: «آقای لیبرالیست، آقایان که روی اقتصاد آزاد فردی تکیه می‌کنی. چشم‌پا به بازت کن... بین چطور روند اقتصادی سرمایه‌داری جهانی عرصه و میدان عمل را بر افراد انسانها و گروههای کوچک انسانها تنگ می‌کند، بطوری که یک انسان می‌بیند تکان نمی‌تواند بخورد...»

«آزادی» لیبرالها برای توده‌ها چیزی ندارد!

دکتر بهشتی افزود: «توده‌های مردم» روز و شب را باید کاسه «چه‌کنم» جلویشان بگذارند و این کاسه چه‌کنم» روز به روز پرت و روح و قلبشان روزی روز از شادیا و برخورداریهایی زندگی خالیست و کیست‌شان هم روز به روز خالیست باشد. در یک چنین جامعه‌ای این فرد محروم، این بچه متولد شده در یک خانواده محروم امکان تحرک و شکوفایی و خودانگیختگی اش چقدر است مگر! بسیار ناچیز، یا یک چیز نژادیک به سفر. بنابراین به این آقای لیبرال گفته میشود، این آزادی که تو می‌گوئی چیز خوبی است اما برای تو، چون چیزش گیر من (مردم) نمی‌آید. این جمله، یک جمله ساده کوچک نیست که ما از آن به‌سادگی بگذریم. ما می‌بینیم که آن آزادی فردی که لیبرالیسم رویش تکیه می‌کند یک خطسیر دارد و به یک سو چلو می‌رود و در این سو ما هر چه جلوتر می‌رویم، یک اقلیت مرفه و برخوردار از بسیاری از آزادی‌ها برای ما، شنگول، شاداب، برخوردار از ادای امکانات فراوان برای اعمال آزادی‌شان و یک اکثریت محروم را می‌بینیم، چور، پژمرده، افسرده و دارای امکانات بسیار ضعیف برای استفاده از آزادی و اعمال آزادی.»

سؤال از لیبرالیسم:

سؤال از لیبرالیسم این است: که آیا شما برآستی این اکثریتی را که در مشکلات طاقت‌فرسا غوطه‌ور شده، این را هم‌ما برآستی الان آزاد می‌یابید؟ آیا راستی این اکثریت هم امکان اعمال این آزادی را به‌اندازه آن اقلیت برخوردار مرفه دارد؟ شما این آزادی، آزادی، آزادی را فقط برای ۵٪ جامعه چیز خوب می‌دانید و برای آن ۹۵٪ چیز خوبی نمیدانید؟ یا اگر خوب است برای همه خوب است...»

آیت‌الله بهشتی در جای دیگر ضمن تأکید بر اجرای قاطع قانون در مورد مبار «آزادی‌های نامشروع» و لزوم انجام اینکار توسط ارگانهای مسئول برای جلوگیری از تبلیغات سوء علیه انقلاب گفت: «یک بهانه‌ای که گاهی در میان و شیفتگان انقلاب و اسلام به دست متقدان می‌دهند اینست که کاری که باید دولت و نهادهای قانونی و مسئول بکنند، غیر مسئولها می‌کنند و آنوقت می‌گویند بله، آزادی وجود ندارد. بگذارید این آزادی‌های نامشروع را نهادهای مسئول بکنند... افراد و گروهها وقتی کار به اینجا می‌کنند (لزوم اعمال قهر) دخالت غیرمسئولانه نکنند که وقتی دخالت غیر-مسئولانه می‌کنند آنوقت دشمن می‌گوید ما آزارشیم داریم.»

پهزاد نبوی وزیر مشاور: با شکست آمریکا و عراق در جنگ علیه ایران

آمریکاتوطئه‌های داخلی را در ایران شروع کرده

پهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرایی روز پنجشنبه گذشته ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که «امپریالیسم آمریکا چون دریاته است که از طریق جنگ تجاوزی رژیم صدام حسین نمی‌توان جمهوری اسلامی را سرنگون ساخت، توطئه‌های داخلی را شروع کرده است.»

وزیر مشاور در این مصاحبه که در سال کنفرانس نخست - وزیر بر گزار شد، ضمن اعلام مطلب بالا، به حادثه آفرینی‌های ضدانقلاب اشاره کرد و گفت: «این مخالفتها... در شرایطی است که ما سخت‌ترین شرایط را در جنگ می‌گذرانیم و احتیاج به وحدت داریم. وی سپس ضمن اشاره به این نکته که ما هیچگونه رابطه‌ای با دشمنان وابسته‌شدن نخواهیم داشت، تصریح کرد: «اگر واقعا یک معامله‌ای باشد که وابستگی بیار نیارود، به‌نفع مردم باشد، آنوقت ممکن است انجام بدهیم.»

وزیر مشاور در امور اجرایی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «درواقع این بحث یک بحث انحرافی است، مسئله اصلی جنگ قدرت است... و دولت

بحران پولی...

بقیه از صفحه ۱

واقعیت است، همراه هستیم. اما اگر تمام واقعیت را به بیان نکتیم و نظر مسئولان را به عقب بچران پولی و مالی کشور در لحظه کنونی متوجه سازیم، قطعاً وظیفه خود را در برابر انقلاب بپذیریم و انجام ندهایم.

بنظر ما، بحران پولی و نقدینگی در لحظه کنونی برآب جدی‌تر از آنست که آنرا در بحران اسکناس در گردش خلاصه کنیم، بویژه آنکه، میزان اسکناس در گردش کم نیست و مبلغ آن با حجم معاملات در شرایط کنونی کاملاً متناسب است. بحران نقدینگی و اسکناس در جریان، در لحظه کنونی، نه علل طبیعی، بلکه بطور عمده علل معنوسی دارد. این بحران از خرابکاری عمدی سرمایه‌داری وابسته، عوامل ضدانقلاب و امپریالیسم، به - سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در سیستم پولی و بانکی کشور ناشی می‌شود. بهمین جهت تنها ابراز حسن‌نیت برای رفع بحران کافی نیست. برای رفع این بحران باید تصمیمات واقعی و پولسی متناسب و همه‌جانبه‌ای اتخاذ کرد و این تصمیمات را با استظبار به تأیید و پشتیبانی مردم انقلابی به اجرا درآورد.

قبل از پرداختن به بیان تصمیمات اساسی که باید برای مقابله با خرابکاری ضدانقلاب در امور مهمی مانند سیستم پولی و بانکی اتخاذ کرده بچاست به سبته امر توجه کنیم، زیرا بحران کنونی یک شبه‌ایجاد نشده و مقدمات آن از مدتی قبل از جانب عوامل ضدانقلاب فراهم گردیده است.

برای مقابله با خرابکاریهای ضدانقلاب در سیستم پولی و بانکی کشور، که وقوع آن حتمی بود، بایستی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تصمیمات قاطعی در این زمینه اتخاذ می‌شد. مثلاً بیایستی بلافاصله به چاپ و انتشار اسکناسهای جدید، آتمه نه‌بطور مرحله‌ای، بلکه یک‌زمان، آمو

روز ۶ آذرماه ۵۹، جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» تشکیل شد. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسش‌های مربوط به مسائل مهم جامعه انقلابی ایران و ضرورت شناخت واقعی دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پاسخ گفت.

بخش اول و دوم این «پرسش و پاسخ» در شماره گذشته درج شد و اینک آخرین بخش آن در زیر چاپ می‌رسد.

نورالدین کیانوری
«پرسش و پاسخ»

گام مهم در جهت تعمیق شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران

۶- آیا هجوم لیبرال‌ها ناشی از قوت، آنهاست یا ضعف
۷- فریگیری لیبرال‌ها
۸- آیا هنوز در ایران سرمایه‌های وابسته به انحصارهای امپریالیستی وجود دارند؟

س: در تحلیل‌های اخیر حزب هجوم هماهنگ لیبرال‌ها به ضعف آن‌ها تعبیر شده، اما لیبرال‌ها با استفاده از شعار "آزادی‌خواهی" توانسته‌اند، بسیاری از مردم را به سوی شعارهای خود جذب و در نتیجه از موکراسی انقلابی و فاعلا مشخص در روحانیت مترقی متجلی است، دور نمایند. آیا این گرایش، کرایش لحظه‌است و یا احتمال عواقب خطرناکی از این گرایش می‌رود؟

ج: این سؤال البته با بعضی عدم دقت‌هایی که در برداشته‌های آن وجود دارد، دارای محتوای با اهمیتی است. در تحلیل‌های ما چنین گفته شده که هجوم اخیر لیبرال‌ها نشانه این نیست که آنها قدرت بیشتر یا پایگاه‌های مستحکم‌تری پیدا کرده‌اند، بلکه علت این هجوم عبارت از این است که آن‌ها در دوران اخیر مواضع بسیار حساسی را از دست داده‌اند. ما گفتیم آن‌ها خیلی ضعیف هستند. آن‌ها هنوز دارای نیروی نابل ملاحظه‌ای در جامعه ایران هستند. ما گفتیم آن‌ها در دوران اخیر مواضعی را که در اختیار داشتند از دست داده‌اند و در نتیجه از دست دادن این مواضع، به لرزه افتاده‌اند و شروع کرده‌اند به ایجاد جنجال رای به دست آوردن موضع از دست رفته. ما بطور دقیق گفتیم که مثلا در دولت کنونی که بر پایه حمایت مشخص اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی روی کار آمده، لیبرال‌ها نتوانستند پایگاه‌های مهمی یا اصلا پایگاه قابل توجهی را در اختیار بگیرند، بلکه تمام مواضعی را که سابقا در دولت گذشته داشتند، از دست دادند. مثلا در مدیریت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مواضع بسیار با اهمیت و خیلی موثری داشتند، که ز دست دادند. این‌ها است که آن‌ها را به تسنج و اداشته، نه این‌که نیرو-مایشان تحلیل رفته است. از دست دادن مواضع با تحلیل رفتن نیروها تفاوت است. نیروی لیبرال‌ها بطور کلی همان نیروی سابق است؛ قهرمانی از بورژوازی و خرده بورژوازی که جدا در مواضع نگه‌داری نظام سرمایه‌داری یستاده‌اند. خصوصیت موضع طبقاتی آن‌ها همین است. البته اکنون بخشی ز سایر نیروهای اجتماعی نیز، همانطور که پیش‌تر هم گفتیم- به علل مختلفی، از جمله مخالفت باز یاده‌رویی‌های افراطیون مذهبی و انحصار-طلبان - به لیبرال‌ها کمک می‌کنند. اما هنوز ما آن‌ها را جزو نیروهای لیبرال به حساب نمی‌آوریم. آنها در نبردهای آینده هنوز می‌توانند موضعگیری فای مختلفی داشته باشند. یعنی اگر واقعا مسئله به این شکل باشد که برد لیبرال‌ها برای تثبیت وابستگی و هموار کردن راه‌سازش با امپریالیسم دامه یابد، ما فکر می‌کنیم که عده قابل توجهی از آن‌ها به این‌که الان در سئله "آزادی‌ها" با لیبرال‌ها هم‌صدا هستند، از آن‌ها جدا خواهند شد. به هیچ‌وجه حاضر نیستند به تسلیم و سازش با آمریکا تن در دهند. این‌جاست که ما می‌گوییم لیبرال‌ها در نتیجه از دست دادن مواضع، در نتیجه نزدیک شدن خطرهای جدی به پایه‌های اجتماعی-اقتصادی-بان در جامعه ما، و در نتیجه فشاری که الان از طرف توده‌سازهای محدود کردن غارت سرمایه‌داری به آنها وارد می‌شود، به تسنج افتاده‌اند و شروع کرده‌اند به حمله برای منحرف کردن این حرکت ضد بورژوازی لیبرال، که در ایران دارد گسترش پیدا می‌کند و برای ترمز کردن روند گسترش و تعمیق انقلاب در جهت ضد سرمایه‌داری و ضد مالکیت بزرگ.

خوب البته این‌ها توانسته‌اند از بعضی ضعف‌هایی که در کار نهادهای انقلابی وجود داشته‌اند مانند زیاده‌روی‌هایی که گروه‌های افراطی در دارات، در پاکسازی عناصر شرافت‌مند، علاقتند، پاک، و هوادار جمهوری اسلامی کرده‌اند، سوء استفاده کنند و توانسته‌اند عده‌ای از ناراضی‌ها را بر شعار تامين آزادی‌ها تضمین شده در قانون اساسی، به سوی خود جلب کنند. ولی من همین‌جا اضافه می‌کنم که نباید به هیچ‌وجه این اشتباه را کرد که کلیه کسانی را که جدا خواستار تامين و تضمین آزادی‌های مطرح در قانون اساسی هستند، به حساب هواداران جدی بورژوازی لیبرال-با نام مواضع سیاسی-اقتصادی آن، یعنی مواضع سازشکارانه‌اش نسبت به امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم به‌طور کلی و محافظت تمام نظام سرمایه‌داری در چارچوب قبلی خود گذاشت، بلکه در این‌جا یک همکاری هم‌رزمی در یک مسئله‌ای هست که لیبرال‌ها به حساب خودشان درمی‌آورند و به عنوان حربه خود از آن استفاده می‌کنند. دیگران و حزب ما هم به‌طور جدی خواستار تامين آزادی‌های توضیح شده در قانون اساسی هستند، یعنی آزادی برای همه نیروهای هوادار جمهوری اسلامی ایران، هواداران قانون اساسی، و خواستاران تحکیم مستحکم‌ترین اساسی انقلاب صرف نظر از موضع گیری فکری و ایدئولوژیک آنها، آزادی برای آن‌هایی که با هر گونه ازگشت به عقب مخالفت اصولی و بنیادی دارند، آزادی سیاسی، آزادی بنیخ، آزادی بیان و آزادی عمل برای همه نیروها، در همان چارچوبی که امام خمینی از ابتدا گفته‌است: آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی طبعیات ولی نه آزادی توطئه. ما با هر گونه توطئه‌گری علیه جمهوری اسلامی ایران جدا مخالفیم و متقدیم که هر گونه آزادی برای توطئه‌گران باید محدود شود و جلوی توطئه‌گران با تمام قاطعیت گرفته شود، والا انقلاب! نمی‌توان حفظ کرد. به این ترتیب نباید در ارزیابی خود دچار اشتباه لیم. باید حساب کنیم که لیبرال‌ها نماینده تمام آن طیفی هستند که ان برای تامين آزادی، حتی با شعارهای کمی تند فریاد می‌زنند. لیبرال‌ها سر معینی هستند که دارای هدف‌های معینی هستند. آن‌ها مسلمانان دارادی، همان آزادی که امروز خودشان می‌گویند نیستند، و به محض اینکه به قدرت برسند اول آزادی را از مخالفین خودشان سلب خواهند کرد، چون محال است که لیبرال‌ها بتوانند انقلاب ایران را در چارچوب مورد نظر خودشان محصور بکنند بدون آن‌که آزادی توده‌های میلیونی و خلق‌های انقلابی ایران را که خواستار تغییرات بنیادی در جامعه هستند از آن‌ها سلب کنند. آن‌ها دروغ می‌گویند. ولی نیروهای دیگری هستند که واقعا نواستار تامين آزادی در چارچوب تصویری که از انقلاب ضد امپریالیستی خلقی ایران دارند، هستند.

س: آیا هنگامی و هماهنگی بین نیروهایی که فقط طرفدار تامين زادی‌های مورد تجاوز قرار گرفته از طرف افراطیون هستند، و لیبرال‌ها که "آزادی" دیگری - "آزادی" غارتگری- می‌خواهند، خطری برای انقلاب ایجاد نمی‌کند؟ آیا لیبرال‌ها موفق نخواهند شد جبهه‌مستحکم‌تری را که میان بین دو بخش ایجاد شده علیه تمام دستاوردهای انقلاب ایران، به‌سود خود در راه منحرف کردن انقلاب ایران بسیج و وارد نبرد کنند؟

ج: به نظر ما نمی‌باید این خطر را به هیچ‌وجه از نظر دور داشت. عدم واقفیت آنها بستگی دارد به این که نیروهای هوادار جمهوری اسلامی برای جقدر در تصحیح اشتباهات خود، در تصحیح زیاده‌روی‌هایی که در وارد مختلف انجام داده‌اند و در نتیجه توانسته‌اند نیروهای را که به بیخ‌وجه هوادار موضع گیری لیبرال‌ها نیستند به سمت آن‌ها گرایش بدهند، گاهانه عمل کنند. ما امیدواریم که نیروهای حاکمیت که هوادار جدی جمهوری اسلامی ایران و هوادار خط امام هستند، اهمیت تاسیر منطقی و زیانبخش یین زیاده‌روی‌ها را عمیقا درک کنند و با تمام قوا در جهت جلوگیری از یین زیاده‌روی‌ها و امراض‌هایی باشند که نیروهای سالم هوادار انقلاب را یی جهت به طرف نیروهای دشمن انقلاب می‌رانند. ما در مراحل مختلف بازاره سیاسی خود روی این مسئله بکرات تکیه کرده‌ایم. از جمله در مسئله

کردستان و مسئله توجه به خواست‌های ملت‌های غیر فارس و توجه به اهمیت مذاهب غیر شیعی در جامعه ایران. در مورد مسئله کردستان ما هنوز می‌گوییم که سیاستی که حاکمیت در باره مسئله کردستان در پیش گرفته، دارای جنبه‌های منفی جدی است و دشمنان انقلاب از این جنبه‌های منفی بهره‌گیری می‌کنند. اگر این تصحیح‌ها به‌موقع و با تعمق در اشتباهاتی که صورت گرفته به عمل آید، به نظر ما لیبرال‌ها موفق نخواهند شد که نیروی قابل تسوجی از قشرهای غیر وابسته به لیبرالیسم را به دنبال خود بکشانند و خطری برای انقلاب بوجود آورند. ولی اگر این افراط‌ها ادامه یابد و برخورد‌های نادرست در بعضی از نهادهای انقلابی تکرار شود و جلوی آن گرفته نشود و با آن مبارزه نشود، اول وقت البته این احتمال وجود دارد که لیبرال‌ها بتوانند گذشته از نیروهای خودشان، نیروهای دیگری را هم که در نتیجه همین اشتباهات و زیاده‌روی‌ها و افراط‌ها ناراحت و ناراضی شده‌اند در اختیار خود بگیرند و آن‌ها را به تفرامی بکشانند و در جهت هدف‌هایی سازگرا نه و تسلیم طلبانه خود بکشانند.

به این ترتیب و طبقه ما عبارت است از تبلیغات ما و کوشش‌ها برای افشاگری در جهات مختلف - افشاگری حقه‌بازی لیبرال‌ها که می‌خواهند تحت شعار "آزادی" انقلاب را منحرف کنند- توضیح ما به نیروهای سالم انقلابی که نمی‌بینند در دام لیبرال‌ها دارند می‌افتند؛ فریاد لیبرال‌ها متفاوت با خواست آن‌ها است. باید با تمام قوا بکوشیم و نگذاریم این نیروهای سالم با لیبرال‌ها در یک‌جبهه قرار بگیرند و بکوشیم که آن‌ها جبهه خود را جدا کنند و بدان‌ها بفهمانیم که موفقیت آن‌ها در تامين خواست‌های به‌حق خودشان، یعنی تامين آزادی‌های واقعی برای نیروهای سالم هوادار انقلاب ایران، تنها در صورتی است که آن‌ها بتوانند خط فاصل دقیقی بین عمل خود و عمل لیبرال‌ها که هدف‌های سیاسی دیگری در داخل و خارج دارند بکشند. این‌ها باید به آنها بفهمانیم. باید از نیروهای حاکمیت یعنی در درجه اول از روحانیت مبارز نیز خواهیم که بکوشند از اقدامات گروه‌های افراطی به تمام معنا و به‌طور جدی جلوگیری کنند. اعمال این گروه‌های افراطی می‌تواند در این لحظه یا آن لحظه رقابتی را از میدان عمل بطور موقت خارج کند و ولی ضررها و زیان‌های عمیقی می‌زند، تیش‌های می‌زند که می‌تواند به‌ریشه بخورد و می‌تواند جنبش انقلابی اصیل هوادار خط امام را تضعیف کند. مسئله مبارزه با اشتباهات، و زیاده‌روی‌ها و اجحافاتی که در نهادهای انقلابی انجام می‌گیرد، در این لحظه دارای اهمیت فوق العاده مهم اجتماعی - تاریخی است و می‌باید که آن را خیلی جدی بگیرند و امکان ندهند که نیروهای هوادار انقلاب در نتیجه این نوع اشتباهات افراطیون، به سمت مقابل بروند.

س: در مقالات نامه "مردم"، از جمله در مقاله کارگری پنجم آذر، هنوز از سرمایه‌داران وابسته نام برده می‌شود. با در نظر گرفتن این که سرمایه‌داری وابسته، یا سرمایه مشترک با انحصارات و شرکت‌های چند ملیتی دارد و یا زاییده آن‌ها است، آیا هنوز ما سرمایه‌داری داریم که به این شکل وابسته هستند؟ یا این که منظور نامه "مردم" از سرمایه‌داران وابسته همان سرمایه‌داران بزرگ ملی است؟ اگر نه، شکل وابستگی این سرمایه‌داران چگونه است که می‌توان اصطلاح "وابستگی" را در مورد آن‌ها به کار برد.

ج: ما در برنامه حزب توده ایران و در توضیحات گوناگونی که در تحلیل‌های اجتماعی داده‌ایم، این مسئله را دقیقاً روشن کرده‌ایم. دوست سؤال کننده ما متأسفانه به این تحلیل‌هایی که در گنجینه انتشارات حزبی ما هست توجه نکرده‌است. ما هنوز سرمایه‌داری وابسته داریم. یعنی بخشی از سرمایه‌داری وابسته هنوز با تمام ابعاد خود باقی مانده است. ما در تحلیل‌های خود گفته‌ایم که سرمایه‌داری وابسته، سرمایه‌داری است که سرمایه‌اش به‌طور عمده در دایره عمل انحصارهای جهانی سرمایه‌داری قرار گرفته است. همچنان که بیشتر گفتیم، پنج‌بخش مهم سرمایه‌داری بزرگ ایران در این وابستگی قرار دارد: اول سرمایه‌داری صنعتی وابسته، یعنی کلیه واحدها و صنایعی که با سرمایه مشترک انحصارهای امپریالیستی و سرمایه ایرانی اداره می‌شوند. مثل تمام کارخانجات مونتاژی که در ایران ایجاد شدند، یا کلیه کارخانجاتی که اصولا با سرمایه‌های امپریالیستی وجود آمده‌اند و این‌جا هم نمایندگان دارند. این سرمایه‌داری صنعتی وابسته است. دوم سرمایه‌داری بانکی، که این سرمایه‌داری با بانک‌ها و انحصارهای بزرگ دنیا ارتباط دارد و گردش سرمایه آن، در گردش عمومی سرمایه‌های انحصارهای بزرگ سرمایه‌داران جهانی قرار دارد. این سرمایه‌داری مالی وابسته است و تمام این صراف‌ها و سفته‌بازها همگی جزء آن به شمار می‌روند. سوم سرمایه‌داری بوروکراتیک، یعنی سرمایه‌داری دستگاه‌های دولتی که با بودجه دولتی با انحصارهای جهانی به‌نام هئس در ارتباط هستند. این هم سرمایه‌داری بوروکراتیک وابسته به امپریالیسم است. چهارم سرمایه‌داری تجاری، که این مهم‌ترین سرمایه‌داری وابسته با سرمایه‌داری گمراه‌آور است. این سرمایه‌داری با تمام حجم خود تقریبا دست‌خورده باقی مانده و امکانات غارتگری آن به مراتب انرا بی‌بافت است. گرچه حجم واردات در مجموع کاهش یافته، ولی عامل این کاهش، کاهش واردات دولتی بوده و در مقابل واردات بخش خصوصی به‌مراتب رشد و توسعه یافته‌ست و غارتگری آن دامنه وسیع‌تری پیدا کرده‌است. و بالاخره سرمایه‌داری بزرگ کشاورزی وابسته، که عبارت است از شرکت‌های بزرگ کشت و صنعت که با

سرمایه‌های انحصارهای امپریالیستی و سرمایه‌های داخلی بوجود آمده‌اند. این‌ها بخش‌های مختلف سرمایه‌داری وابسته‌است. در نتیجه دستاوردهای انقلاب و بخصوص قطع دست گروه‌های عمیقا وابسته به دربار "آریامهری" و سرمایه‌داران وابسته به آن، یعنی آن‌هایی که در جوار خانواده پهلوی و کارگزارانش در قسمت‌های مختلف بخصوص در دهه پانزده سال اخیر رشد کردند و نمایندگان سرمایه‌داری بوروکراتیک، سرمایه‌داری بانکی، سرمایه‌داری صنعتی و کشاورزی بودند، به این چهار بخش ضریب حدی وارد آمده‌است. قسمت مهمی از این چهار بخش سرمایه‌داری به بخش دولتی منتقل شده‌است. مثل بانک‌ها، کارخانجات، موسسات بزرگ کشت و صنعت و تمام ضرورت خود خاندان پهلوی و تمام کارگزارانش. اما بخش سرمایه‌داری گمراه‌آور، یعنی سرمایه‌داری سنتی وابسته به امپریالیسم که تمام سرمایه‌اش در گردش کالاهای انحصارهای جهانی سرمایه‌داری است، هنوز با تمام توان و امکانات خود باقی مانده‌است. من در آماری که دهه پیش عرضه کردم، نشان دادم که در سال ۱۳۵۶ بیش از ۹۰ درصد واردات ایران از شش کشور بزرگ سرمایه‌داری غرب بوده است. تمام بازرگانان بزرگی که در این دایره کاری کنند، نمایندگان سرمایه‌داری وابسته به انحصارهای غرب هستند. این‌ها وارد کنندگان کالاهای امپریالیستی هستند. از کالاهای لوکس گرفته تا کالاهای مصرفی - و هم اکنون در بازار ایران سرمایه‌های اینان کار می‌کنند و در دایره گردش سرمایه‌های انحصارات جهانی قرار دارد. به این ترتیب ما معتقدیم که سرمایه‌داری وابسته هنوز در ایران از بین نرفته، و در بخش بسیار مهمی هم از بین نرفته‌است. اگر از لحاظ میزان سرمایه و میزان گردش و عمل سرمایه بسنجیم، بخش تجاری سرمایه‌داری یا بخش گمراه‌آور، یکی از عمده‌ترین و نیرومندترین بخش‌های سرمایه‌داری وابسته را تشکیل می‌دهد. ما می‌بینیم که سرکرده‌های بازار ایران، گردانندگان حزب "جمهوری خلق مسلمان" هستند. این اتفاقی نیست. اینان وابسته به امپریالیسم هستند و سیاست حزب "جمهوری خلق مسلمان" هم عبارت است از سیاست برگرداندن رژیم وابسته اقتصادی و برگرداندن بختیار و اویسی و امثالهم به ایران. بورژوازی لیبرال یا نماینده بخش متوسط سرمایه‌داری ایران، یعنی آن سرمایه‌داری که ما "سرمایه‌داری ملی" می‌نامیم، بخشی از سرمایه‌داری است که به‌طور عمده در دایره عمل سرمایه‌های امپریالیستی قرار گرفته‌است. مثل کارخانجات متوسط و کوچکی که بعضی از لیبرال‌های خودمان داشتند یا دارند. سرمایه‌های امپریالیستی به‌طور عمده در کار این بخش دخالت ندارد. اما از لحاظ سیاسی این بورژوازی یا سرمایه‌داری ملی به اضافه سرمایه‌تجاری در امور ساختمان، مسکن و ساز و بفروشی‌ها، به سرمایه‌داری وابسته - یا "خلق مسلمان" - نزدیک شده است و ما می‌بینیم که لیبرال‌ها با "خلق مسلمان" الان در یک جبهه قرار می‌گیرند. این همان پیش‌بینی است که ما در "پلنوم" اخیر کردیم: "بم بورژوازی لیبرال در دوران تسلط یک جانبه و مطلق سرمایه‌داری وابسته سرمایه‌داری صنعتی و بانکی و بوروکراتیک و دستگاه دربار و ساواک و غیره مناراضی بود، زیرا این‌ها مانع از رشد سرمایه‌داران متوسط می‌شدند. آنها می‌خواستند همه چیز را در جنگ خود نگاه دارند. به همین دلیل هم لیبرال‌ها در آن تاریخ طرفدار قانون اساسی شاهنشاهی و قانون اساسی شروطیت بودند و می‌خواستند رژیم شاهنشاهی را حفظ و فقط شاه و ساواک را حذف کنند. بنا به خواست آنها، باقی چیزها می‌بایست در جای خود بماند و نمایانگر آن، سیاستی بود که دولت "گام به گام" دنبال می‌کرد که: آقا هیچ چیز تغییر نکند، همه چیز را همان‌طور نگاه دارید، با آمریکا نجنگیم، پس روی دم پلنگ وحشتناک نگذاریم، خطرناک است، با آن کنار بیاییم، یواش یواش و "گام به گام" و به تدریج حقوق‌مان را از او بگیریم.

یعنی حفظ نظام سرمایه‌داری و تمام مناسبات آن با دنیای امپریالیستی، و محدود کردن غارت سرمایه‌داری وابسته به نفع سرمایه‌داران ملی. ولسی پس از انقلاب، آنها دیدند که موضوع شوخی نیست. ملت چیزهای دیگری می‌خواهد، ملت فقط به این اکتفا نمی‌کند، فقط محدودیت غارت لازم ندارد، بلکه می‌خواهد تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی بوجود آورد، قانون اساسی ای می‌گذراند که طبق آن باید با استعمار مبارزه شود، تجارت خارجی باید ملی شود، اصلاحات ارضی به‌سود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین به عمل آید، وسیله کار به کسانی داده شود که کاری می‌کنند، یعنی کارخانجات باید از اختیار و تسلط کارگزاران می‌کنند و مهندسی و کارکنان آن واحد اقتصادی قرار گیرد، مواردی در این قانون اساسی تضمین می‌شود که دیگر با اصل نظام سرمایه‌داری و بزرگ مالکی مغایرت جدی دارد! این است که بورژوازی لیبرال می‌گوید ما را به‌سود ترمز امید نیست جمهوری اسلامی، شر رسان! ما می‌رویم یواش یواش سازش می‌کنیم با دشمنان. این عین مسئله‌ای است که ما در تحلیل "پلنوم" پیش‌بینی کردیم. گفتیم بورژوازی لیبرال با تعمیق انقلاب به آن پشت می‌کند و با نیروهای ضد انقلابی برای سرکوب انقلاب سازش می‌کند. این علت آن پدیده‌های است که ما الان می‌بینیم که لیبرال‌های "نهضت آزادی" و "جبهه ملی" سابق، با "خلق مسلمان" ها "در یک جبهه قرار می‌گیرند، میتینگ مشترک می‌دهند و هواداران "خلق مسلمان" برای لیبرال‌هایی که تا دیروز خیلی انقلابی بودند و در شورای انقلاب بودند، جلسه سخنرانی ترتیب می‌دهند و بول خرج می‌کنند تا افراد را جمع کنند و جلوار می‌خرند برای این‌که امضا جمع کنند و سرورکله "خلق مسلمان" ها را با هواداران ظاهری انقلاب بیکجا می‌بینیم. به این ترتیب این که سرمایه‌داری وابسته، یا بورژوازی لیبرال ایران که نماینده بخش بالایی سرمایه‌داری ملی است، نزدیک شده و همکاری سیاسی می‌کند، کاملاً قانونمندانه و طبیعی است. ما در تحلیل "پلنوم" نوشتیم که در تمام انقلاب‌ها این پدیده وجود داشته و هیچ دلیلی وجود ندارد که انقلاب ایران از این قانونمندی مستثنی باشد. و واقعا هم تاریخ عین این پیش‌بینی را تأیید کرده‌است.

س: چنانچه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که حزب در انتخابات از آن‌ها پشتیبانی کرد و عمدتا در مواضع ضد امپریالیستی قرار داشتند، متأسفانه هم اکنون در مجلس از مواضع لیبرال‌ها پشتیبانی می‌کنند. دلیل این هماهنگی چیست و تا چه اندازه امید تغییر جهت آن‌ها وجود دارد؟

ج: س: در مقاله "میهن انقلابی ما در لحظه کنونی" (نامه "مردم" چهارم آذر) نوشته‌اید در هر دو جناح اختلافات داخلی اخیر مناصب وجود دارند که می‌توانند در جبهه متحد خلق باشند. لطفا این عناصر و بخصوص عناصر متعلق به جناح خواستار آزادی‌های دموکراتیک را که می‌توانند در جبهه متحد خلق باشند مشخص کنید.

ج: این دو سؤال را یک‌جا می‌توان جواب داد. یک سؤال دیگر هم هست باز درباره موضع گیری سازمان مجاهدین خلق در این مسئله گمان هم تقریبا به همین مسئله مربوط می‌شود. ببینید رفا اثر به مجلس و صحنه سیاسی بنگریم، همان طوری که من در آن مقاله اشاره‌دهنده نوشته‌ام، در دو طرف اختلاف، واقعه‌انروهای هستند که البته در یک طرف اختلاف اکثریت دارند و در طرف دیگر، یعنی طرفی که الان مسئله سرچشم "آزادی‌های دموکراتیک" را به‌طور خیلی بارزی برافراشته، ممکن است اقلیت داشته باشند و معنی این بخش مهمی باشد - چنانچه در جبهه متحد خلق، یعنی در سمت گیری‌های اصلی جبهه متحد خلق است. ما معتقدیم که این‌ها در مواضع کاملاً درست جبهه متحد خلق قرار گرفته‌اند، یعنی به‌خوبی در مواضع ضد امپریالیستی، محور سرمایه‌داری بزرگ و مالکیت بزرگ و در مواضع تامين آزادی برای نیروهای انقلابی حا دارند. و به این جهت ما آن‌ها را جزو نیروهای اصیل جبهه متحد خلق تشخیص می‌دهیم. این واقعات را می‌توان در توضیح قبلی گفتیم که ما نمی‌باید این اشتباه را بکنیم که کلیه نیروهای را که الان در مسئله محدودیت‌هایی که برای آزادی‌ها بوجود آمده‌است، دارای موضع مشترکی هستند و تلاش می‌کنند برای این که این محدودیت‌ها - که مقداری از آن عینی است - از بین برود، از لحاظ سیاست داخلی در مجموع خود، از لحاظ موضع گیری نسبت به هدف‌های انقلاب، از لحاظ موضع گیری در سیاست دولت جمهوری اسلامی در صحنه جهانی یعنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، عینا یکی بدانیم. در گفتار هفته پیش من به صراحت گفتیم که ما حتی هنوز نمی‌توانیم این‌طور حکم بکنیم که خود

بقیه در صفحه ۶

کارگران و چریک‌ها

در این جنگ، سنگر کارگران، دفاع از انقلاب است

«حالا وقت کار است، وقت خواب نیست»

(کریم آذروند، کارگر شهید هلیکوپترسازی)

مستی است نمونه خروارها. اما فعالیت بیشتر کارگران به کمک مالی و اعلام جانبازی محدود نمی‌شود. برای مقابله با کمبودهای ناشی از جنگ جاری مبارزه بی‌شمارتری فراروی آنان است. باید تولید کرد و از بروز کمبود در مواد و سایر مورد نیاز عموم، به‌هروسیله جلوگیری کرد. باید کارخانه، این‌نبض برطین انقلاب، باخرویش برتوان خود در تپ و تاب باشد، تا خون در رگ‌های سراسری میهن به حرکت آید و به‌اندام کشور غذا دهد. چنین است که کارگران رزمنده‌س از شروع جنگ، علی‌رغم محدودیت امکانات، جرخ تولید را سریع‌تر به حرکت درآوردند، هرچند دسوارهای صدچندان شده بود.

چند روز پس از آغاز جنگ تجاوز- کارانه رژیم صدام علیه انقلاب ایران به کارخانه لوازم خانگی پارس (سازنده انواع یخچال‌های جنرال الکتریک) اطلاع داده شد که گاز مصرفی کارخانه قطع خواهد شد. با قطع گاز یک قسمت از کارخانه، یعنی قسمت رنگ آن از کار

حفظ کرد و گسترش داد. از بقایای دستگاه‌ها، و با تمامی تحارب و مهارت‌ها، با ابتکار هرچه تمام‌تر به تعمیر وسایل پرداخت و دستگاه‌های تازه - ای را فراهم آورد. باید به‌جبهه رفت و زیر باران خمپاره‌ها و خمسه‌خمسه‌ها تجهیزات فنی را تعمیر و آماده کرد. باید در شهرهای جنگ‌زده سنگر ساخت و نیازهای مردم مسلح را از هر جهت برطرف کرد. و صد البته باید جنگید و جنگید. هرات کار هست و انقلاب از طیفه‌کارگر، این بازی برتوان خود، هزاران دست می‌طلبد.

برای کارگران تأمین معاش به‌راستی کارس دسوار است. دستمزد و مزایا و هم تلاش‌ها به‌رحمت کفاف مختصر نیاز اولیه آن‌را می‌دهد. با این وجود، سبیل‌ک‌ها پیش از همه و بیس از همه از سوی اینان به‌سوی جبهه‌ها و برای جگر دگان جاری است. کارگران از یک تا حد در دستمزد ماهانه خویش‌را سی‌جسم دست واگذار می‌کنند و سه اسکال مختلف دست به جمع‌آوری

غارتگران به عرس درآمده و شکاف برداشته است. و جنگ، جنگی عادلانه است. اگر جنگیم، نیستیم، بس می‌جنگیم، تاسل‌های آینده در صلح بسر برند و ریسده‌های جنگ را فرو خسکانند.

گفتیم طبقه‌کارگران ایران رحم مازره را استوار بردوش دارد و تا انده دوس خواهد داس. آری، کارگران، که خون‌شان در غرار حسمه میهن جاری است، یک‌بار امیرالایسم متروپ و متار بریتانیا را از میهن راندند، سکرمان گلوی استبداد سلطنتی را سردسردو آن‌را به‌گورستان ساریخ افکندند و اکنون رودرروی آمریکا هستند. حه قربانی‌ها داده‌اند و حمره‌ها که درس ندارند. اما تاریخ فرعه این فال‌برانه نام آنان رده‌است. طبقه‌کارگران ایران مسلما با آغوش ناراین راه‌را می‌خواهد کرد.

در مساران تهران، سشن‌ار کارگران به‌شهادت رسیدند: کارگران ناسیونال (محمد رضا سلیمی رحمن محمدی)،

ایران انقلابی که بار دیگر سرج‌رزم برسد است، تا در حبه‌های به‌وسعت تمام خاک میهن، در برابر دشمنان استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران از خود دفاع کند.

در این جنگ، که از بدو اوج‌گیری جنبش‌انقلابی تا نابودی امیرالایسم، در اسکال مختلف به‌سبب ادامه‌داشته و خواهد داشت، امروز ما یکی دیگر از دستیاران امیرالایسم آمریکا، یعنی رژیم صدام رودررو هستیم. دشمن تحاورگر ما خیال خام نابودی انقلاب به میهن ما یورش آورده‌است. دشمن سهرها را ویران می‌کند. کودک و نوحوان و بی‌مرد، بی‌مردم و مردم صلح‌جوی ایران به‌حاکم و خون‌درمی‌ملطند. زندگی و هست و نیست آب‌سپاه‌گام بمب‌ها و خمپاره‌ها، موشک‌ها و گلوله‌های صدام می‌رود. سندرگاه‌ها، اسکله‌ها، بالاسگاه‌ها، انبارها و گمرک‌ها، کارخانه‌ها، خطوط ارتباطی، خطوط لوله، پل‌ها و صد البته خانه و کاسانه مردم سهر و روستا، طعمه بمب‌افش‌های دشمن می‌شوند.

این جنگ، و به‌عبارت دهمی‌تر این سشمین توطئه خائنانه امیرالایسم آمریکا علیه جمهوری جوان و انقلابی ما، البته سروشتی بهتر از توطئه‌های پیشین نخواهد داشت، هرچند سال‌ها به‌درازا کشد و تلفات و قربانی‌ها از این‌هم بیشتر شود. انقلاب خود را آماده خواهد داشت و بی‌بی به دل راه نخواهد داد.

بی‌تردید خلق ایران در این دو سال به‌کفایت نشان داده است که راه آینده را ساخته است و در این حبه بی‌ترلر و تا انتها، استوار کام برخواهد داشت.



پولاد کاران: می‌روند تا گور امپریالیسم را بکنند!

می‌افتاد. (این قسمت در وسط خط تولید است.) لذا تولید کارخانه قطع می‌شد. برای جلوگیری از قطع تولید کارخانه لازم بود تعداد زیادی درو بدنه یخچال تولید و رنگ شود. به این ترتیب کارگران از قسمت‌های مختلف بسیج شدند و شروع به ساختن درو بدنه یخچال کردند. کارگران دو قسمت رنگ درو بدنه، تاصبح کار کردند و دو بیست و سی یخچال آماده مونتاژ شد، در حالی که در روزهای عادی بطور معمول حدود سی یخچال آماده مونتاژ می‌شود. ضمناً در تمام طول شب کارگران برای مقابله با حمله هوایی در نور کم کار کردند. در مساره صدامیرالایستی فعلی، همه‌حیر برای حبه و همه امکانات در خدمت سروری قرار می‌گیرد. بدون دفع تجاوز، قوام جمهوری انقلابی ما متکی نیست. نه این منظور طبقه‌کارگر به‌ابتکار خویش، بی‌هیچ حسم داشت، نیروی خود را بسیج می‌کند.

کمیته دفاع پارس الکتریک طی اطلاعیه از کارکنان خواسته است تا: "اکنون که جمهوری اسلامی جوان‌ماکه دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی ایران به رهبری خمینی بزرگ است، مورد بیورس مزدوران "شیطان بزرگ" آمریکا، یعنی صدام خیانت‌پیشه و تمام خیانت‌پیشگان منطقه قرار گرفته است، برای دفاع از میهن و انقلاب اسلامی و در راستای این وظیفه انقلابی... علاوه بر کمک‌های نقدی که بصورت یکسک روز در آمد بدین امر اختصاص یافته، همکاران عزیز جهت پشتیبانی هرچه بیشتر از این جنگ بحق که بسرا ی

نعدیه‌ها می‌روند و دور اراستار گوسکی می‌خرند و انساب عرصه می‌کشد. نمونه‌ها، حمان که پیش از این بسیار دیده‌ایم، به‌سارمی آمد. کارکنان کارخانه ارج مبلغ دو میلیون و سیصد و شصت هزار ریال به حساب ۸۸۸، و به همین اندازه (۲۶۳۵۰۰۰ ریال) دیگر نیز به حساب ۷۷۷۷۷ بانک ملی واریز کرده‌اند. کارگران کانادا درای نیز معادل یک روز حقوق خود را (مبلغ دو میلیون و چهار صد و چهارده هزار و هشتصد و بیست و هفت ریال) به همین حساب واریز کردند.

این کارگران طی بلگرامی به حضور رهبر انقلاب، آمادگی خود را برای جانبازی در خط مقدم حبه اعلام کرده‌اند. و ارمجموع دو هزار و سصد و کارتر این کارخانه، ما کون هفتاد و سه نفره حبه‌ها اعزام شده‌اند. سندیگای کارکنان سیمان سفید دماوند نیز، ضم تاکید بر این‌که کارگران "در مبارزه بسا آمریکا و مزدورانس چون صدام خاش از بذل جان و مال" دریغ ندارند و با اعلام آمادگی برای جانبازی، معادل یک روز حقوق خود را (یک میلیون و صد و پنجاه هزار و هفتصد ریال) به امر دفاع میهنی اختصاص داده‌اند. خاطز- نشان کرده که:

"بدین وسیله در حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند اسلامی در سنگر کارخانه علیه امیرالایسم آمریکا تا آخرین نفس به جهیاد ایستاده‌ایم."

کارگران سهند (سلیمان خدایندلو، احمد ریزی) و هلیکوپترسازی (کریم آذر وند و سایر) با با خاندلو) همسر کارگر شهید کریم آذروند، در مراسم بزرگداشت این شهیدان در خانه کارگر، چه خوب گفت:

"من افتخار می‌کنم که شهید شهید شده‌است، تصمیم دارم دودختره تنها سرم را بزرگ کنم، تا راه پدرشان را ادامه دهند. خودم دوره بسیج دیده‌ام و در صورت لزوم می‌جنگم. سهرم‌ما را، از قبل، آماده کرده‌بودم. او می‌گفت: "حالا وقت کار است نه وقت خواب" او ساعات زیادی را صرف کار در کارخانه می‌کرد. روز حمله او به‌جای دوستش مانده‌بود تا کار کنند. همه‌ما حاضریم برای حفظ انقلابمان شهید شویم.

در این مراسم، از حمله یکی از کارگران رن کارخانه داروگر نیز سر گفت:

"ما از حدود شش‌ماه پیش آموزش نظامی دیده‌ایم، ولی ما لایم باز از طرف بسیج برای ما کلاس‌های رزمی و امداد گذاشته شود. در کارخانه‌ها، همه از مردوزن، فقط منتظر فرمان امام هستیم تا برویم و بجنگیم."

و این ریان حال همه مردم ایران است، که به‌بهترین وجه از دهان طبقه‌کارگر ایران شنیده می‌شود.

آری: "وقت کار است نه وقت خواب". باید شب‌روز در کارخانه کار کرد. از ماسن آلات، دستگاه‌ها، اسارها و دحایر موجود، مسلحانه دفاع و پاسداری کرد. امکانات موجود را

ستون سحم دشمن، و اهوردگان سیاسی و عناصر مفلوکی که در رباله - های تاریخ دسوا می‌رسد، سه‌پوده می‌کوشند تا با برگ کردن سکلاب، با قلب واقعیت‌ها و ساهرار دروغ و حمله، نظم انقلابی صربان حان مردم را برهم زسد. آنها آروی خویش را ارمدم- ها بیس از دست داده‌اند و سرما سیر رحمت جسدانی نمی‌دهند. در برابر دریای حروشان تاریخ، این گدا سهای حقیر حه فرومایه و پانوا ن‌اند!

راستی، تارما می‌که رحمت‌کنان ایران و در راس همه، طبقه‌کارگر شهرمان ایران وجود دارد، از سارره حماک! انقلاب آزاد و بیگانه‌ها، ما بره‌ها و رحمت‌کنان است. آن‌ها با دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از آینده‌سستل، آزاد و آباد میهن خویش دفاع می‌کنند، از سنگر تاریخی خویش پاسداری می‌کنند. دشمن ربون هرچه می‌خواهد بگوید و هر نیگری که کار کند، اتحاد و یگانگی ما، هم‌را بسا آگاهی به شرایط واقعی زندگی تاریخی و مبارزه دوران ساز مردم ایران، خلل نامدیز است، و درست به همین دلیل است که می‌گوئیم: آینده‌از آن ماست، بی‌کم و کاست!

طبقه کارگر ایران مصمم و بی‌گسرم عزم را حرم کرده‌است ما سهر میبست که سده، دروازه‌های میهن دیگران بروی سرمایه‌داران غارتگر و استه‌سه حبه‌انخواران امیرالایستی گسوده نشود. تا دیگر هست و نیست ما به‌کام آمریکا نرود. تا آنچه‌ما متعلق دارد، در گاو و صدوی‌های انحصارار امیرالایستی سدود نشود. سهرم بر سر این کار خطیر نسل‌ها ناچار در سگر بزایند و برسد. بی‌پهوده نیست که این حنین بک‌صدا فریاد می‌کنند:

برچینیم برچینیم بساط ظالمین را برکنیم برکنیم ریشه آمریکا را بیاکنیم بیاکنیم جامعه نوین را! سرود رزم و آوای کارو سازندگی در هم آمیخته است. زمین ریزر پای

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

تسریع در امر واگذاری زمین به سود انقلاب و تامین پیروزی در جبهه است

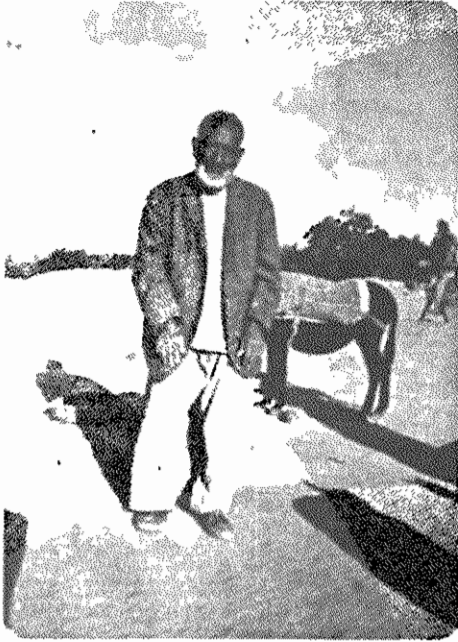
پیش از همه، دهقانان بی‌زمین شرکت داشتند. با وجود مساعد بودن زمینه، هنوز هیئت واگذاری اراضی، آغاز به واگذاری زمین نکرده است و تاخیر در کار موجب شده که بزرگ مالکان بخودجرات بدهند و علیه دولت انقلابی و تصمیمات آن اقداماتی بکنند.

بعلاوه، اهالی این روستا مشکلات دیگری هم دارند. از جمله در مسیر یک کیلومتر راه خاکی، که به جاده اصلی، یعنی جاده نهاوند کرمانشاه مرتبط است، رودخانه‌ای قرار دارد که عبور از این رودخانه در فصل زمستان غیرممکن است. روستای طایم پیر آفتاب، دارای یک مدرسه است که ساختمان آن خراب است. اهمیت فرمان امام خمینی مربوط به سواد آموزی از اینجا نیز معلوم میشود که ۸۳ درصد اهالی بی‌سوادند. آب آشامیدنی اهالی این روستا از آب غیر بهداشتی جاه تامین میشود. در این روستا هنوز برق کشیده نشده است.

فدائیانقلاب، که بزرگ مالکان و ابادینان سواداکی ها و وابستگان رژیم سابق را نیز شامل میشود، با اجرای طرح اصلاحات ارضی بوسیله هیئت های ۷ نفری مخالفند و به انواع مختلف و از جمله اعمال فشار لیراها در جلوی پای آن سنگ اندازی میکنند. پس از آن که یکبار دیگر نقشه های

روستای طایم پیر آفتاب در ۲۶ کیلومتری شمال نهاوند واقع شده است. جمعیت این روستا ۲۳۰ خانوار و کلاً دوهزار نفر است. از این تعداد ۱۶۰ خانوار دارای زمین ۷۰ خانوار دیگر خوش نشین هستند. خوش نشینان اغلب در جستجوی کار به شهرستانها و بیشتر به تبران می‌روند. کل زمینهای مزروعی این روستا ۱۵۰ جفت است، که آب آن بوسیله رودخانه تامین میشود. مالک این روستا طی سالیان دراز به این دهقانان زحمتکش ظلم و ستم روا داشته است و حتی ۴۰ هکتار از اراضی را، که معاق به ذخ از دهقانان بوده، حسب کرده است. این بی عدالتی ها که جان دهقانان زحمتکش را به لب رسانده بود، بعد از انقلاب نیز بعلت حضور لیراها در دولت، بوسیله مالک و ایادیش اعمال میشد، تا آنجا که دیگر دهقانان دریافتند لازمت با یک اعتراض دستجمعی عناصر لیرال و مالک ضد انقلابی را بجای خود بنشانند و جلوی توطئه ها و تحریکات او را بگیرند و فریاد حق طلبانه خود را به گوش مقامات مسئول دولت انقلابی برسانند و آنها را متوجه کنند که علیه انقلاب و هدفهای آن یک مرکز فاسد غارتگری و توطئه وجود دارد. در این اعتراض دستجمعی به خاطر دفاع از انقلاب و برای انقراض بزرگ مالک ضد انقلابی،

رپورتاژ مصور از روستای بهرام - موند - آذربایجان شرقی



محصل کار این دهقان سالخورده دیگر به هیچ ترتیب و با هیچ بهانه ای نباید در میهن انقلابی ما به جیب ارباب برود. او و کشور او و انقلاب اوست که باید از نمره کارش بهره مند شوند.

شوم آنها نقش بر آب شد و قانون اصلاحات ارضی واردیگر به تأیید سه تن از روحانیون سرشناس: آیت الله منطری، و آیت الله بهنسی و آیت الله مشکینی رسید و بعد از آن که امام خمینی نیز بر تصمیم این فقها صحنه مجدد گذاشت. لیرانها و اربابان و روحانی نمایان باز به اعمال سار پرداختند، اکنون ضروری است که از هیئت های واگذاری زمین در برابر دسائس لیراها حمایت شود.

باید گفت نزدیک به ۲۲ ماه است که در انجام این امر حیاتی یعنی الفای بزرگ مالکسی و واگذاری زمین به دهقانان تاخیر شده است. و این بود انقلاب و تحکیم آن نیست. اکنون که مبین ما مورد تجاوز رژیم مزدور صدام حسین چنایتکار و در محاصره اقتصادی آمریکا قرار گرفته است، احتیاج دارد که محصولات کشاورزی و مواد غذایی بیشتر تولید شود. تامین محصول بیشتر و جهاد کشاورزی رابطه مستقیم با واگذاری زمین های مالکان بزرگ که پایگاه دشمن و مخالف با انقلاب هستند، به دهقانان بی زمین و کم زمین دارد. اراضی بزرگ مالکان اغلب غصبی است، مثل همین ده طایم پیر آفتاب، و مشمول بنده ب قانون میشود. مسئولان اجرائی این نکته مهم را نباید فراموش کنند.



مشهدی جیران زنی روستائی، از خانواده ای مبارز، در خانه گلی قدیمی خود: ما مدافع انقلاب هستیم و امیدواریم بچه ها و نوه های ما زندگی خوبی داشته باشند. نه مالکین به آنها زور بگویند و نه واسطه ها غارتشان کنند. زمین و محصول سال همه دهقانان باشد و همه دهاتی ها خانه مناسب و همه دهات مدرسه داشته باشند.



جمهوری اسلامی ایران، بمشابه هدیه انقلاب بزرگ خود، زندگی سربلند، آزاد و انسانی را برای این کودکان دهقان به همراه خواهد آورد. چشمان پر امید آنها در انتظار تدابیر انقلابی است.

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

و حیاتی با یدمشوق تولید و اسکان بيسرفته آن و منطبق با نیازهای واقعی اقتصاد سالم کشا ورزی و منافع حیاتی دهقانان زحمتکش باشد. بعلاوه، بسیاری از ضوابط و شرایط دوران طاغوت، که نمی توانست و نمی توانست با در نظر گرفتن منافع زحمتکشان روستاها تدوین شده باشد، متناسفانه هنوز باقی است. یکی از این شرایط مسئنه بدهی های سابق دهقانان است. برداخت بدهی های گذشته دهقانان بعنوان شرط دریافت وام جدید، اصولاً مطابق با راستای احیاء کشا ورزی ورشکسته و طاغوت زده ما نیست، و انجام چنین شرطی فعلاً از عهده میلیون ها کشا ورز خارج است. با ید بطور اضطراری و استثنائی بدهی های گذشته اصل و فرع آن و نه فقط جرائم دیرکرد آن را بخشوده اعلام کرد. برای رسته تولیدات کشا ورزی و احیاء این رسته تولیدی مهم باید تدابیری نو و انقلابی اندیشید که بتوان با آن تحول کیفی و کمی عمیقی در کشا ورزی ایجاد کرد. از جمله میتوان با الفای بدهی دهقانان، همراه با واگذاری زمین مزروعی به آنها و تاسیس مراکز خدمات کشا ورزی و با دادن وام های جدید و ضروری به شورا های ده و بطور جمعی، امکان داد تا دهقانان زحمتکش، با بهبود وضع کشا ورزی و اقتصاد خود و شالوده ریزی بخش تعاونی که در قانون اساسی بیسببیتی شده، بتوانند نقش ساینسته خود را در شکوفایی و تحکیم استقلال جمهوری اسلامی ایران ایفا کنند.

بدنیال درج یک خبر دهقانی در شماره ۲۴۸ نامه مردم، مورخ ۵۹/۷/۱۲، تحت عنوان "بانک کشاورزی شیراز توجه کند"، نامه ای به شماره ۱۵۵/۴۰۱۴۱/۳۵۹ - ۵۹/۷/۲۲ از طرف روابط عمومی بانک کشا ورزی به دفتر نامه مردم ارسال شده است، که عیناً نقل می‌گردد:

"در مطلب گفته شده دونه فراز اهالی روستای سورجه سروستان فارس مدت یکسال است تقاضای وام برای حفراجه و نصب موتور پمپ نموده اند، لکن این بانک از پرداخت وام خودداری نموده است. در پاسخ به اطلاع می‌رساند بانک کشا ورزی در خدمت کلیه کشا ورزان کشور می‌باشد و ممکن نیست کشا ورزی به کشا ورز دیگر رجحان داشته باشد. منتبه دریافت وام تابع شرایط و مقرراتی است و چنانچه کشا ورزی شرایط مزبور را دارا نباشد، نخواهد توانست از وام بانک استفاده نماید. از جمله این شرایط آن است که واقعا کشا ورز باشد و وام را برای مصارف کشا ورزی بخواهد. به بانک کشا ورزی بدهی نداشته باشد. پروانه لازم را برای کار مورد نظر اخذ کرده باشد. وثیقه و پانوا من لازم را به بانک معرفی نماید. لذا در مورد این دو تن نیز، که نامشان ذکر نشده است، ممکن است شرایط لازم برای اخذ وام را نداشته اند. از جمله برای حفراجه نیاز به پروانه حفاری می‌باشد. بطور کلی بانک کشا ورزی برای حفرا انواع جاه ها و نصب موتور پمپ حداقل تا مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ تومان وام تضمینی به مدت عمل و بانرخ ۴ درصد کارمزود بودن دریافت وثیقه ملکسی برداخت می‌کند. برای حفراجه های عمیق و ایجاد سیستم آبیاری جدید که نیاز به وام بیشتری می‌باشد بانک مبلغ مورد نیاز را با اراکه وثیقه ملکسی در اختیار کشا ورز قرار می‌دهد."

نامه مردم ضمن تشکر از توجه مقامات مسئول به نیازهای دهقانان و توضیحات روشن کننده ای که در باره شرایط اخذ وام داده شده است، توجه مقامات مسئول را به این نکته جلب می‌کنیم که سیاست بانکی و اعتباری ما در این رشته حساس

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد. به شورای ده و به تعاونی ها بارسانید.

بیانیه مشترک سازمان حزب کمونیست عراق (در سوئد) و سازمان حزب توده ایران (در سوئد) درباره جنگ تجاوزی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

خلفای ایران و عراق را پیوندهای تاریخی بهم مربوط و نزدیک ساخته است. مبارزات هر دو ملت برای استقلال، دموکراسی و پیشرفت‌های اجتماعی، صفحات زرینی از تاریخ مبارزات بی‌امان خلق‌های تحت ستم منطقه را تشکیل می‌دهند.

خلق‌های ایران به‌نگام مبارزات خود علیه امپریالیسم انگلیس و آمریکا و برای ملی‌کردن نفت، از پشتیبانی بی‌دریغ مردم عراق برخوردار بودند.

مردم عراق نیز که در سال ۱۹۵۸ موفق شدند بساط حکومت مغرور فیصل - نوری سعید را برچینند، با استقبال و همبستگی‌هایان خلق‌های ایران روبرو گشتند.

مبارزات خلفای ایران سرانجام دودمان طاغوت را درهم نوردید. انقلاب ایران در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی ضربات بی‌امان برپیکر امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وارد ساخته است. در خلال تمام این مبارزات، مردم ایران از همبستگی بی‌شائبه مردم عراق برخوردار بوده‌اند.

اکنون رژیم بعثی عراق جنگ گسترده تجاوزکارانه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. این رژیم در حقیقت بصورت عامل امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و مصالح خلق‌های ایران عمل می‌کند. گسترش این جنگ توسط بعث عراق، در عمل همان تلاش امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و دولت‌های ارتجاعی منطقه است، بخاطر سرکوب‌جمهوری اسلامی ایران و تحکیم سلطه خود.

دولت‌های ارتجاعی منطقه، از جمله رژیم بعثی عراق، از همان روزهای شروع انقلاب افتخارآمیز خلق‌های ایران، به دشمنی با آن شروع کردند و تنها هدفشان نیز متوجه جلوگیری از گسترش انقلاب در منطقه بوده است.

انقلاب بزرگ مردم ایران از ابتدا بصورت عامل الهام‌دهنده مبارزات مردم منطقه عمل کرده و در گسترش این مبارزات برای استقلال، دموکراسی و پیشرفت‌های اجتماعی، نقش ارزنده‌ای ایفا نموده است.

به‌وضع نابسامان درمانی استان بوشهر رسیدگی کنید

عدم امکانات درمانی در استان بوشهر، در محدوده‌های بین استان ساحلی و خوزستان و فستدان پزشکی متخصص، درمانگاه، بهداشت و دارو، مشکلات فراوان برای مرزنیسان این استان به وجود آورده است و این مناطق با جمعیتی حدود ۳۵۰ هزار نفر، تنها دو بیمارستان، یکی در مرکز استان بوشهر و یکی در برازجان دارد، که با کمبود متخصص، کادر، وسایل بیمارستانی و دارو روبروست.

مردم زحمتکش این مناطق، بخصوص روستائیان، سالیان دراز است که بیماران خود را از مناطق دور دست به این دو بیمارستان می‌آورند.

وظیفه دولت انقلابی است که هرچه زودتر به مشکلات درمانی و کمبودهای پزشکی این استان و وضع نابسامان روستائیان رسیدگی کند.

اعتراض کانون صنفی فرهنگیان به گرفتن تعهد عدم فعالیت سیاسی از معلمان

کانون صنفی فرهنگیان در نامه سرگشاده‌ای به وزارت آموزش و پرورش، به گرفتن تعهد عدم شرکت در فعالیت‌های سیاسی، به عنوان تنها شرط بازگشت معلمان اخراجی به کار، اعتراض کرد.

در این نامه آمده است:

"اخیراً مشاهده شده که در برخی از شهرستانها، جهت بازگرداندن معلمان اخراجی به کار، از آنان تعهدی گرفته می‌شود که مفهوم آن منع شرکت در فعالیت‌های سیاسی است. اتخاذ این رویه نامعقول و موهن، از جانب مسئولان مربوطه، چه عالماً عامداً، و چه از روی ناآگاهی انجام گرفته باشد، شدیداً به اعتبار و حیثیت والای انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد خواهد ساخت. به نظر کانون صنفی فرهنگیان، چنان مسئولانی، در خط‌اصیل انقلاب اسلامی نیستند و آشکاراً اصول ۲۶ و ۲۳ قانون اساسی را مبنی بر آزادی شرکت مردم در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های صنفی و سیاسی و عدم تفتیش عقاید، زیر پا می‌گذارند و شایسته است که آنان را ارشاد کرده احترام و رعایت قانون وادار ساخت.

ما از مقام وزارت و سایر مسئولان متعهد و انقلابی آموزش و پرورش کشور، انتظار داریم، در زمینه موقوف ساختن چنین اعمال بی‌رویه و ناپسند، تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند. نباید گذاشت در مهین از بند رسته و در جمهوری جوان و نوین‌یاد ما، این‌گونه اعمال زیان‌بخش و قبیح که مختص رژیم استبدادی و خود فروخته‌پهلوی بود، پاب گردد.

وانگهی، اعمال این‌گونه روش‌ها، نه تنها اهانت به شخصیت معلم است، که خود باید منادی آزادی‌خواهی و حق‌طلبی و آموزش‌دهنده قانون باشد، بلکه سبب بی‌اعتبار ساختن ولکه دار کردن قانون اساسی جمهوری اسلامی است. برای دستیابی به این قانون، خون پاک هزاران شهید بر زمین ریخته شده، و برای حفظ و صیانت آن هنوز هم در مقابل تجاوزات بیگانگان و خنثی ساختن توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب داخلی خون بر زمین ریخته می‌شود. پوشیده نیست که ادامه این خودسری‌ها، عمل‌کرد رژیم جمهوری اسلامی ما را، چیزی شبیه شیوه‌های شیطانی، ضدانسانی و قانون‌شکنانه رژیم ننگین طاغوت جلوه خواهد داد.

وظیفه ما است که از قانون اساسی جمهوری اسلامی با طاعت‌پاسداری کنیم و از دستاورد‌های گرانقدر انقلاب به رهبری امام خمینی، با شور و علاقه و با احساس مسئولیت حفاظت نماییم."

زنده باد مبارزات متحد خلق‌های ایران علیه توطئه‌های امپریالیسم

آمریکا و رژیم بعثی عراق!

زنده باد مبارزات خلق عراق برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام‌حسین و برای ایجاد یکسیستم دموکراتیک با خودمختاری حقیقی برای خلق کرد!

زنده باد مبارزات حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و نیروهای مرتجع منطقه!

مردم ایران تا نثار آخرین قطره خون خود از جمهوری اسلامی ایران و خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی دفاع خواهند کرد.

رژیم بعث عراق می‌باید بدون قید و شرط به جنگ تجاوزکارانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران خاتمه دهد و به‌فوریت نیروهای نظامی خود را از خاک ایران بیرون ببرد!

سازمان حزب توده ایران (در سوئد)

سازمان حزب کمونیست عراق (در سوئد)

استیکلم ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

مشکلات بیمارستان سینای کرومانشاه را برطرف کنید

بیمارستان سینای کرومانشاه، با کمبود تخت، وسایل پزشکی و درمانی روبروست. بیماران در بدو ورود خود به این بیمارستان ناچارند مدتی را در راهروهای بیمارستان و روی پتو و موکت‌های زمین بسر برند تا جایی که تخت خالی پیششان شود. معتادین در این بیمارستان حق ملاقات ندارند و این امر خود موجب ناراضی‌تندی در بین بیماران و عیادت کنندگان شده است. بخش مهمی از این بیمارستان، به بیماران روانی اختصاص داده شده است، در حالی که بدون توجه به لزوم وجود فضای ساکت برای این نوع بیماران. این مکان همیشه مطبو از جمعیت و سروصدای است. یکی از دلایل این سروصدا وجود ستاد حل

مطلق آریایی که صادر کردند محق بودند و کار آن‌ها در جهت حفظ شگون انقلابی و حفظ نظام بی‌روزمند انقلاب مایود. خوب حالا یک درصد، دودرصد هم ممکن است اشتباه باشد. مانده‌هایش را خودمان گفتیم: در کرومانشاه یک توده‌های مبارز و پشتیبان خط امام را گرفتند و نیم‌ساعته اعدامش کردند. کسانی که آگاهانه این کار را انجام دادند، جنایت کردند و آن‌ها حاکم شرعی که یک‌چنین رای داده، اشتباه واقعاً فاجعه‌آمیزی کرده است. ولی مجموعه عمل نهادهای انقلابی ایران را در این محایب نمی‌شود مورد قضاوت قرارداد و آن‌ها را نفی کرد و جنگالی به راه انداخت که رادیو بی. بی. سی "رادیو صدای آمریکا" و "رادیو بغداد" بیانیند از آن‌ها استفاده کنند. وقتی یکی از لیبرال‌های ما مقاله‌ای می‌نویسد که رادیو بخیر رادیو بغداد و بی. بی. سی عیناً به آن استناد می‌کنند، به این عنوان که اختناق دوران "آریامهری" الان در ایران حکمفرما است، خوب ما این رادیو نمی‌توانیم به عنوان کسی که کسی طرفدار آزادی است تلقی کنیم. این رابه معنی کامل خود ضربه‌ای می‌دانیم به حیثیت جمهوری اسلامی‌ای که ما طرفدارش هستیم، با وجودی که در همین جمهوری اسلامی نسبت به آزادی فعالیت خود حزب ما در چارچوب قانون اساسی تجاوز می‌شود. با وجود این که هیچ دلیل و واقعه‌ای که دلیلی برای اسفال دفاتر ما وجود ندارد و تمام مراجع مهم قضایی و دولتی هم به ضرورت پس‌دادن این دفاتر رای داده‌اند، مژدالک کسانی هستند و در همین نهاد. های انقلابی مراجعی هستند که علناً نمی‌گذارند این‌ها رابه ما بس بدهند. یا این‌ها به عنوان مختلف پرونده‌های ناخوارمردانه‌ای علیه توده‌های ما می‌سازند که نمونه‌اش را ما در باره "آن خانه فرهنگی جنوب دیدیم. چه چیز مسخره‌آمیز مفتضحی که واقعا ساواکی می‌تواند یک چنین کاری بکند ساخته‌اند! ولی ما با مساهده این عمل شبه ساواکی فوراً نمی‌گوییم که همه این‌ها کار ساواکی‌ها را می‌کنند. ما آدم‌های خیلی با انصافی هستیم. ما می‌گوییم تعیین‌کننده تمام عمل نهادهای انقلابی و محاکم انقلابی و کمیته‌ها این نیست. در عین حال که به حیثیت ماسدمه فوق‌العاده سدید می‌زند. دفاتر ما در جاهایی می‌بندند. می‌ریزند و آتش می‌زنند. ما این رابه هیچ وجه به حساب تمام حاکمیت جمهوری اسلامی نمی‌گذاریم. می‌دانیم که هم ضد انقلاب در این کارها دخالت دارد و هم عناصر افراطی قشری تنگ‌نظر در این کارها می‌توانند دخالت داشته باشند. در شرایط انقلابی از این نوع پدیده‌ها پیدایی شود. بایستی این‌ها را در چارچوب خودش مورد بررسی قرار داد و ارزیابی درست کرد. ما امیدواریم که نیروهای سالم اجتماعی همان طوری که من چندبار تکرار کردم بتوانند در این لحظه فوق‌العاده حساس خط خودشان را در مبارزه خود برای تأمین راستین آن آزادی‌هایی که مورد توجیه قرار گرفته، از خط لیبرال‌هایی که در مقاله "اختناق که شاخ و دم ندارد" بازتاب پیدا می‌کند جدا کنند. این‌ها از بنیاد دوچیز به کلی مختلف هستند و به همین دلیل است که دشمنان انقلاب ایران برای مقاله "اختناق که شاخ و دم ندارد" این طور هورا می‌کشند و دست می‌زنند و می‌خواهند آن رابه عنوان قیافه واقعی امروزی ایران جا بزنند. ولی از مبارزه‌ای که حزب توده ایران برای تأمین آزادی‌های دموکراتیک می‌کند، هیچ‌کدام از آن‌ها پشتیبانی نمی‌کنند و حتی این طرفداران "آزادی مطلق" هم حتی یک کلمه درباره این‌ها که چرا دفاتر حزب توده ایران را گرفتند و غسارت کردند و سس ندادند ننوشتند. بلکه در مقابل وقتی نامه "مردم" را به علت این که واقعتاً رادرمورد صادق قطب‌زاده موسته بود که صحت آن در تاریخ قطعاً ثابت خواهد شد، توقیف کردند، روزنامه "میزان" این طرفدار "آزادی مطلق" نمی‌توانست ارحوسحالی در پوست خود بگنجد و بابی شرمی تمام این خبر را منعکس کرد. این‌ها هستند طرفداران "آزادی" آزادی از یک طرف برای پخش تبلیغات و مقالاتی که صدای بخیر و اویسی و رادیو بغداد آن‌ها را منعکس خواهد کرد، ولی محدود کردن آزادی برای کسانی که از انقلاب دفاع می‌کنند. ما امیدواریم که نیروهای سالم این دورویی رادرد کنند، عمیقاً درک کنند و حساب خود را از حساب این گرایش‌های منحرف به‌طور جدی جدا کنند. پیلان

گام مهم در

بقیه از صفحه ۳
دکتر بنی‌صدر، رئیس جمهور در تمام مواضع اقتصادی و سیاسی بالیبرال-ها و دیکرانی که الان ظاهراً علیه نیروهای روحانیت مبارز، یان نیروهایی که آن‌ها به عنوان "انحسار طلبان" معرفی می‌کنند، کاملاً در یک جبهه قرار گرفته‌اند. مثلا ما فکرمی کنیم که حتماً آقای رئیس‌جمهور در مسئله اصلاحات ارضی طرفدار انجام آن اصل ماده "ج" اصلاحات ارضی است، و در این مسئله با نیروهای دیگری که طرفدار آن هستند، از آن جمله دولت، و نخست‌وزیر که بایان دادن به مالکیت بزرگ ارضی را صریحاً لازم دانسته است، حتماً در یک موضع قرار دارد، و این خود یکی از ممانی مهم اختلاف بین لیبرال‌ها و نیروهای غیر لیبرال است.
به این ترتیب حکم کردن، این که کلیه کسانی که از لحاظ مسئله تضمین و تأمین کامل آزادی‌های مصرح در قانون اساسی برای نیروهای وفادار به انقلاب شکوهمند ما و نیروهایی که برای نگهداری جمهوری اسلامی ایران با فشاری می‌کنند در جبهه لیبرال‌ها قرار دارند، صحیح نیست. ما بین آن‌ها اختلافات خیلی خیلی جدی قائل هستیم. عده‌ای از مخالفین دولت کنونی هستند که معتقدند دولت کنونی نمی‌تواند از عهده وظایف و مسئولیت سنگینی که بر دوش دارد برآید. ولی این افراد را ما می‌شناسیم و می‌دانیم که این افراد به تمام معنا در خط امام قرار گرفته‌اند و با تمام نیروی خود علیه امپریالیسم و برای پیروزی تمام آن هدف‌های اساسی خط امام که ما بارها پنج عنصر اساسی اش را تکرار کرده‌ایم مبارزه می‌کنند و در مسائل مربوط به سیاست اقتصادی کشور درآینده، در مسائل تغییرات بنیادی و در سیاست خارجی، به هیچ وجه با کسانی مثل گردانندگان روزنامه "میزان" و سایر لیبرال‌ها وجه مشترکی ندارند. ما آن‌ها را می‌شناسیم. به این جهت است که ما بایستی دقیقاً تفکیک کنیم و به دیگر نیروها هم توصیه می‌کنیم - همان نیروهایی که الان در مقابل این جبهه به اصطلاح هواداران آزادی‌های دموکراتیک، آزادی‌های کامل و مطلق قرار گرفته‌اند - که در این دام نیفتند که همه این‌ها را به یک جوب برانند. ما معتقدیم که ممکن است در موضع گیری برخی از افرادی که در دوران انتخابات مجلس شورای اسلامی به آن‌ها رای دادیم تغییراتی پیدا کرده باشد و واقعا از یک جبهه بروند به جبهه دیگر (این امکان همیشه هست)، ولی به‌طور عمده آن‌ها در مواضع اصولی خودشان که مواضع اصولی انقلاب است هنوز جادارند. منتها اختلاف نظرهایی در موارد گوناگون به‌ویژه در مورد بعضی زیاده‌روی‌هایی که نیروهای افراطی در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی کرده‌اند، دارند که ما آن نظریات را هم جدا تأیید نمی‌کنیم. یعنی عین آن نظریاتی است که حتی ما هم داریم. از این افراط‌ها باید جلوگیری کرد. ما به هیچ وجه موافق نیستیم که یک عده بی‌مسئولیت بیایند بریزند به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران یا بیروند به روزنامه "میزان" یا بیروند در مسجد به یک موسسه پژوهشی اسلامی حمله کنند، هر قدر هم که با گردانندگان آن جریان مخالف باشند. نهادهای انقلابی با حقوقی که دارند به‌طور قانونی بایستی به هرگونه توهینی که به قانون اساسی انجام می‌گیرد و به هرگونه عمل ضدانقلابی که انجام می‌گیرد، رسیدگی کنند. کاری که دادستان انقلاب نسبت به بازداشت صادق قطب‌زاده کرده، یک کار قانونی است، کاری است که می‌شود به‌طور صریح دلالی برایش آورد. بیرونده‌ای بوده است و مطابق آن برورنده، چه عموماً سابق شورای انقلاب باشد، چه فلان فردی که در کوجه کارخلافی انجام داده، نهادهای انقلابی مطابق موازین قانونی حق دارند هر نوع عملی را که صحیح تشخیص بدهند، انجام دهند. یا محاکم انقلابی در اکثریت

امپریالیسم آمریکا یک ماه است از جواب دادن طفره می رود

یک مقام کاخ سفید گفت: «آمریکا در برابر آماده کردن پاسخ به سؤال ایران در مورد شرایط رهائی گروگانهاست» (کیهان - ۱۱ آذر).

این سخنان درست یکماه بعد از اعلام شرایط ایران برای آزادی گروگانها گفته میشود و بلافاصله خریدگی هم به آن اضافه میشود: «آمریکا در بیامی که دستبها ایران فرستاده گفته است که پاسختی بشرايط ايران، فقط مربوط به دولت کاتری بوده و هنگامیکه ریکان در ماه ژانویه روی کار آید چه بسا تغییر کند» (همانجا).

این سیاست یکی به منب و یکی به نعل امپریالیسم آمریکا البته تا زکی ندارد. در یک ماهی که از اعلام شرایط ایران میگردد، یانکیها مرتباً سرگرم بندبازی بودهاند. بیزاد بیوی وزیر مشاور دولت ایران این شامورتنی بازی یانکیها را چنین افشاء کرده است: «همانطوریکه قبلاً هم اعلام کردیم جواب آمریکا یک جواب سریع و بدر بخور نیست، البته اول اعلام شده بود که چهار شرط ما را پذیرفتهاند، اما وقتی متن اصلی پاسخ آنها را دریافت کردیم متوجه شدیم، بجای شروط تصویب شده بوسیله مجلس، آنها می خواهند مسائل دیگری را در این شروط بگنجانند، و بعضاً هم مشکلات قانونی و تفکیک تو را در آمریکا مطرح کردهاند... آمریکا سرچها نکتته که شرط اول یا مثلاً سوم را پذیرفته یا شرط دوم را رد کرده...» (اطلاعات - ۱۰ آذر)

این تمویق و به تعقیب انداختن «مساله گروگانها» جاسوس و طفره رفتن از دادن پاسخ به ایران را همان امپریالیستهای انجام میدهند که بعد از اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و به گروگان گرفتن عاملان توطئه و جنایت علیه خلقهای ایران، دست به تبلیغات وسیع جهانی زدند و چنین وانمود کردند که حتی یک لحظه هم تاب این را ندارند که «دیپلماتهایشان، «اسیر» باشند. تبلیغات امپریالیستها و دوستان لیبرالشان در

جلادشاه به کشتار توده‌ای‌ها اعتراف و افتخار می کند!

سپید بازنیسته نادر باتمانقلیج رئیس ستاد ارتش در زمان کودتای ۲۸ مرداد این روزها در دادگاه انقلاب حاضر شده تا به قضات پاسخ دهد چگونه ۲۵ سال از سردمداران جنایت و غارت رژیم پهلوی در ایران بوده است. جنایات «آقای باتمانقلیج ظاهر اسلح مسلحان نما» (از تکی کفرخواست) مانند همه سردمداران رژیم شاه نجیره‌های طلائی است. این سرجلاد رژیم براساس کفرخواست داستان انقلاب که در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۰ آذر آمده است از جمله در کودتای ۲۸ مرداد شرکت مستقیم و فعال داشته و از طراحان و برنامهریزان اصلی کودتای بوده است برنامه «کودتا» در منزل و در باغ یکی از اقوامش در ۱۶ کیلومتر ۱۶ جاده کرج طرح شده است. او در «کشتار و سرکوب انقلابیون دخالت نموده و همکار در کشتار و سرکوب انقلابیون» متن داشته است. بعد از کودتا به پاس این جنایات باتمانقلیج به سمت نماینده نظامی دائمی ایران در بیمن سنتو و نماینده نظامی ایران در بیمن مرکزی، به خدمات خود به امپریالیسم آمریکا ادامه میداد، و در همان حال به نصب اراضی مزدوری کشاورزان و ستم و ظلم نسبت به اهالی قریه حصارامیر و اسفراین تروین؛ ادغام میداده است.

چنین جنایتکار پلیدی که تنها شرحشوس خیانتها و جنایتهایش نصف صفحه از روزنامه اطلاعات را بخود اختصاص داده و از بندید ناخنهای خون انقلابیون جاریست، هنگامیکه در دادگاه توبت بهار میرسد تا دفاع کند با پنهان شدن در زیر چتر اسلام، بیشرمانه به کشتار توده‌ای‌ها اعتراف کرده و آنها را از انتخارات خود شمرده است. سپید باتمانقلیج که نام این جنایات را رهائی کشور از شر اجنبی میخواند، در دادگاه انقلاب گفته است: «بنا به خواست پدرم وارد ارتش شدم تا از این طریق بتوانم به وطنم خدمت کنم و کشورم را از شر اجنبی رهانم و در این راه تلاش فراوان کرده» (اطلاعات - ۱۰ آذر).

اگر شهید شدم...

بقیه از صفحه ۱

رفیق تودهای در پاسخ گفت: «بخوان و بخوان. حقیقت چون خورشید از زیر ابرهای تیره نمایان خواهد شد.»
رفیق اذریان گفت: «در مدرسه به من «کار» می دهند. راستی را بخواهی به نظر حرفهایشان درست است. مدتی است با آنها همکاری می کنم.»
رفیق تودهای گفت: «بیا «کار» و نامه «مردم» را با هم بخوانیم. خودتوبه واقیقت بفرمای.»
این فرار، که پای آن درآسند ۵۸ ریخته شد، تا بهار ۵۹ ادامه پیدا کرد. در این مدت رفیق اذریان بعنوان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق فعالیت می کرد. اواخر بهار ۵۹ رفیق اذریان به رفیق تودهای گفت: «مثل اینکه من ۳۶۰ درجه دور خودم چرخیده ام، چون دوباره دارم به حقایقت حزب توده ایران معتقد میشوم.»
رفیق اذریان اضافه کرد: «در محفلهای هوادار سازمان که برای خواندن کتاب جمع می شویم، نمی توانم به سئوالات من جواب بدهند. فقط کتابهای حزب و نامه «مردم» جواب مشکلات مرا می دهند.»

در این موقع رفیق اذریان شروع به خواندن آثار کلاسیک کرد. درحالیکه مسائل عمده انقلاب ایران همچنین برایش سؤال بود. برای پیدا کردن جواب این مسائل، مرتب نوارهای «پرسش و پاسخ» رفیق «کیانوری» را گوش میداد. می گفت:

رزمندگان انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

کرخ، بر اثر حلات گروههای کشتی رزمده ما، ۱۰ تا ۱۵ نفر از افراد دشمن به هلاکت رسیدند. ۳ در نتیجه فعالیت های یگانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و در ادامه عملیات تویخانه نیروی زمینی در منطقه خوزستان، ۱۵ دستگیره، یک عراده توپ، ۳ دستکاه خوددوری نظامی، ۲ دستکاه بولورز، یک دستکاه نفربر و ۲ سنگر با نفرات آن منهدم و ۲۰ تن از رزمندگان انقلاب اسلامی به هلاکت رسیدند. در همین روز رزمندگان اسلام در جبهه جنوب توانستند یک ستون کسامیون دشمن را متفرق و تلفات سنگینی به آن وارد کنند و چندین سنگر دشمن و ۲ سنگر دیده بان، یک دستکاه تریلر و ۲ دستکاه خوددوری را با آتش تویخانه خود نابود کنند. دلوران ما همچنین تویخانه دشمن را خاموش کردند و بیش از ۵۰ نفر از قوای کفر را کشتند و ۸ نفر را نیز زخمی کردند. در این عملیات ۳ نفر از قوای خودی شهید و نفر نیز زخمی شدند. ۴ درگیری درشورب شیرین، کانی سخت، کجناچ، ملکشاهی و صالح آباد به صورت تبادل آتش ادامه داشت و در سومار و افشار آباد در آتش تویخانه سپاه اسلام، ۲ دستکاه تانک و خوددوری نظامی دشمن به کلی منهدم شد. در این جبهه نیز جداهل ۵۰ نفر از مزدوران عراقی به هلاکت رسیدند. در نتیجه عملیات آتش مداوم روی یگانهای دشمن در تمام جبهه های نبرد ضایعات و تلفات قابل ملاحظه ای در نیروهای متجاوز وارد شده است. به ادامه اعلامیه به روحیه ضعیف پرسنل ارتش دشمن و پایین آمدن کارائی آنان اشاره شده و درباره سرکوب شدید سربازان ارتش عراق توسط فرماندهان مزدور

استاتبا حاضرم گوش بدهم، چون چیز یك می گیرم.

بقیه از صفحه ۱

کم کم مسائل برایش روشن شد. او بطور مشخص درسی آموختن چند و چون دراه رشد غیر سرمایه داری، و «حق تعیین سرنوشت خلقها» بود. با رفیق تودهای در این موارد به مطالعه پرداخت. طولی نکشید که گفت: «حق با حزب است. سازمان اشتباه می کند.»
پس از مدتی نظریات درست در سازمان چریکهای فدائی خلق هم رشد پیدا کرد. رفیق اذریان می گفت: «از کار ۵۹ به بعد، سازمان چریکها (اکثریت) کاملاً به کام جنگ آمریکائی صدام که آغاز شد، رفیق اذریان آماده دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود. به رفیق تودهای گفت: «رهشود حزب را خوانده ام و باید عازم جنگ شوم. اگر شهید شدم، شهید حزب توده ایران هستم. حتماً نامم را در کنار شهیدان حزب توده ایران در صفحه اول نامه «مردم» بنویسید.»
روز ۲۰ آبان ۵۹، یک روز بعد از شهادت رفیق عسگر دانش شریعت پناهی، رفیق تودهای در یکی از سنگرهای آبادان رفیق اذریان را دید. رفیق اذریان گفت:

«امروز رتقم پیش رفتی تودهای و نامم را برای رفتن به جبهه نوشتم. قرار است به خونی شهر بروم و با شمشان انقلاب بچشم بکشم. یادت نرود، اگر شهید شدم، مثل رفیق عسگر

چشمه های غرب...

بقیه از صفحه ۱

آخرین گزارش خبرنگاران دفتر من تری خبر و خبرگزاری پارس که تب گذشته (پنجشنبه شب) مخابره شده «حکایت نبرد» همچنان در جبهه های غرب کشور بابرتی آتش رزمندگان جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد. بنابه گزارش خبرنگاری پارس، روز پنجشنبه، رزمندگان انقلاب با استفاده از تکلیک دقیق و آتش منظم، یک ستون کامیون دشمن را درهم کوبیدند و ۱۲ کامیون دشمنان انقلاب را نابود کردند. در جبهه گیلانغرب نیز حمله هوایی متجاوزین با آتشبارهای مدافعان انقلاب دفع شد. براساس این گزارش دلوران انقلاب با

امروز را در صفحه اول نامه «مردم» بنویسید.

بقیه از صفحه ۱

رفیق محمدرضا آذریان در لحظه خداحافظی به خواهرش وصیت کرد: «من دیگر تودهای هستم، اگر کشته شدم اسمم را در نامه «مردم» بنویسید.»
و باین ترتیب رفیق قبرمان، محمدرضا اذریان به جبهه نبرد رفت و جان خود را نثار انقلاب کرد.
توضیح: دوستان فدائی در تهریه «کار» شماره ۸۲، از کار سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده اند که رفیق آذریان، «فدائی خلق» بوده است. به نظر ما دوستان فدائی این اشتباه را باین سبب مرتکب شده اند که در جریان تحولات فکری رفیق شهید نبوده اند و به این واقیعت توجه نکرده اند که در میان هواداران سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بسیارند رفتاری که در سیرش اندیشه های خود، به حزب توده ایران پیوسته اند و نیز بسیاری رفتاری که در مرز بین سازمان فدائیان و حزب توده ایران قرار دارند. باین سبب، از آنجا که حزب توده ایران، حزب شهیدها، برای اثبات حقایقت خود، نیازی به شهید ندارد و شهیدانی چون رفیق آذریان قبل از همه به نام پیروان سوسیالیسم علمی و به انقلاب و همه خلق ایران تعلق دارند، در صورت اسرار رفتاری فدائیان (اکثریت)، حزب توده ایران در زمینه تعلق سازمانی رفیق شهید، قبل از شهادت، یافتاری نخواهد کرد. زیرا خون شهیدان میناق وحدت است، نه پایدیز جدائی و نفاق.

ضرورت تحول...

بقیه از صفحه ۱

«مسئله پاکسازی مهمترین مسئله روز ماست، یعنی از یکسو در بعضی مناطق پاکسازی با نتیجه انجام شد و ایحاناً کسانی صالح بودند و کنار گذاشته شده اند و از سوی دیگر مواردی هم اتفاق افتاده که کسانی باید برکنار میشدند، که هنوز در قلمرو پاکسازی قرار نگرفته اند. در سطح آموزش و پرورش برای اینکه پرسنلتی وسعتر بوده، طبعاً این موارد هم زیاد بوده است.»
اکنون این امید پدید آمده که با انتخاب آقای دکتر باهنر به وزارت آموزش و پرورش، افراد مومن و معتقد به انقلاب، که صرفاً به علت عقاید سیاسی و ایدئولوژیکیشان پاکسازی شده اند، به مشاغل خود بازگردند، زیرا آقای دکتر باهنر بدرستی برای تعلیم خوب سهرت قائل شده است.
۱- پروردهاری از تخصص،
۲- آشنائی به شیوه معلمی و کلاسی داری و سومین شرط آنکه، معلم نقش گمراه کننده و متصرف کننده در کلاس نداشته باشد. براساس این سه شرط، همه کسانی که متعهد و مومن به انقلابند، صرف نظر از آنکه دارای کدام عقیده سیاسی و ایدئولوژی باشند، تا زمانیکه توطئه علیه انقلاب نکرده و سعی در گمراهی و انحراف دانش آموزان در برخورد با مسائل انقلاب نداشته باشند، باید در مشاغل خود بمانند.
بسیاری از مناطق آموزش و پرورش، چه در مرکز و چه در شهرستانها، برای استخدام و پاکسازی معلمان و دبیران، برستنامه های ارائه داده و پس شفاها سئوالاتی مطرح کرده اند که فقط می توان بر آن نام تفتیش عقاید گذاشت، ولو آنکه آنرا «یافتن خط مکتبی افراد نام» گذاری کنیم. سئوالهایی نظیر: - نوع کاپیهای میخوانید؟ - نظر شما درباره سیروهای غیر مذهبی چیست؟ - چرا در استانان تصاحب شده؟ - نظر شما نسبت به کشورهای سوسیالیستی چیست؟ و دهها سئوال دیگر از این قبیل، ناشی فقط تفتیش عقاید است و هیچ خوشبوئندی با مسئله متعهد بودن و مومن بودن معلم به انقلاب ندارد. معلم می تواند کاپیهای مارکسیستی را هم بخواند و نسبت به کشورهای سوسیالیستی نظر مثبت داشته باشد و در عین حال مدافع صمیمی و پیگیر انقلاب باشد، چنانکه همه اعضاء حزب توده ایران، چنین اند. اما معلم می تواند کاپیهای مارکسیستی را به آتش کند و دشمن خوئی کشورها سوسیالیستی باشد، اما با انقلاب سر آشتی نداشته باشد و در صف ضدانقلاب در کین انقلاب باشد، چنانکه همه وابستگان به رژیم شاه ملعون و ساواکیها چنین اند. آیا بسود انقلاب است که از میان این دو گروه، دومی را بر اولیها مرجع شماریم؟
مسائل مربوط به آموزش و پرورش، که با سرنوشت نسل کنونی و آینده ما سروشست انقلاب بزرگ ما پیوندناگسستی دارد، دارای اهمیت حیاتی است. همه نیروهای انقلابی، همه مسئولان متعهد باید نه فقط اهمیت آموزش تمام توان و امکان خود برای حل مسائل دشوار، بفریح و حیاتی آموزش و پرورش بکوشند. امید و انتظار ما آنست که آقای دکتر باهنر در ایجاد تحول انقلابی در وزارت آموزش و پرورش موفق باشد.

این دلیرا گاندی: دوستی با شوروی برای هند يك مسئله اصولی است

بقیه از صفحه ۱

خانم ایندلیرا گاندی نخست وزیر هند ضمن استقبال از سفر لئونید برژنف به هند که درآینده نزدیک انجام خواهد شد گفت: «دوستی با شوروی يك مسئله اصولی برای هند است و دو کشور مصممند این دوستی را

جاسوس پاکستانی در هند دستگیر شد

بقیه از صفحه ۱

مأموران امنیتی هند يك جاسوس پاکستانی بنام عبدالککور را در کشمیر هند دستگیر کردند. جاسوس دستگیر شده یکی از صدها جاسوسی است که دولت مست نشاند ضیاعالحق برای خرابکاری به هند میفرستد.

جاسوس پاکستانی در هند دستگیر شد

بقیه از صفحه ۱

مأموران امنیتی هند يك جاسوس پاکستانی بنام عبدالککور را در کشمیر هند دستگیر کردند. جاسوس دستگیر شده یکی از صدها جاسوسی است که دولت مست نشاند ضیاعالحق برای خرابکاری به هند میفرستد.

حجت الاسلام خامنه ای:

بقیه از صفحه ۱

حجت الاسلام خامنه ای از رویه دشمن اشاره به این مطلب که بسیاری از جوانها پیش از نیاز موجود، برای رفتن به جبهه و شرکت در جنگ مراجع می کنند، با اشاره به اشتیاق

حجت الاسلام خامنه ای:

بقیه از صفحه ۱

حجت الاسلام خامنه ای از رویه دشمن اشاره به این مطلب که بسیاری از جوانها پیش از نیاز موجود، برای رفتن به جبهه و شرکت در جنگ مراجع می کنند، با اشاره به اشتیاق

حجت الاسلام خامنه ای:

بقیه از صفحه ۱

حجت الاسلام خامنه ای از رویه دشمن اشاره به این مطلب که بسیاری از جوانها پیش از نیاز موجود، برای رفتن به جبهه و شرکت در جنگ مراجع می کنند، با اشاره به اشتیاق

حجت الاسلام خامنه ای:

بقیه از صفحه ۱

حجت الاسلام خامنه ای از رویه دشمن اشاره به این مطلب که بسیاری از جوانها پیش از نیاز موجود، برای رفتن به جبهه و شرکت در جنگ مراجع می کنند، با اشاره به اشتیاق

حجت الاسلام خامنه ای:

بقیه از صفحه ۱

حجت الاسلام خامنه ای از رویه دشمن اشاره به این مطلب که بسیاری از جوانها پیش از نیاز موجود، برای رفتن به جبهه و شرکت در جنگ مراجع می کنند، با اشاره به اشتیاق

اهمیت منشور سازمان ملل متحد بجای خود باقیست

منشور سازمان ملل متحد در تاریخ دوم آبان ۱۳۲۹ رسمیت یافت. هنوز چند هفته‌ای از پایان جنگ جهانی گذشته ننگزشته بود که این منشور، عزم امضاءکنندگان آنرا مبنی بر «حفاظت نسلهای آینده در برابر آتش جنگ» اعلام داشت. هدف منشور سازمان ملل متحد آن بود که صلح جهانی و امنیت بین‌المللی را حفظ کند، مناسبات دوستانه را میان همه خلفا توسعه بخشد و همکاری آنها را در حل مسائل بین‌المللی شوق باشد.

در سی و پنج سالی که از امضای این منشور میگذرد، سازمان ملل متحد، بدون تردید، به تامین صلح و همکاری کمک‌های بسزایی کرده است. یکی از بارزترین نمونه‌های تحقق برخی از مفاد «منشور» را در افزایش اعضای سازمان ملل میتوان دید، که از سی و پنج سال پیش سه برابر شده و اینک به ۱۵۳ رسیده است. این رقم حاکی از آنست که بسیاری از کشورهای مستعمره و جنبشهای آزادیبخش حق تعیین سرنوشت خود را - که در «منشور» تسجیل شده است - بدست آورده‌اند.

از سوی دیگر سازمان ملل متحد همیشه از «قانون اساسی» خویش پیروی نکرده است. کشورهای آمریکایی بارها با خشونت‌بارترین گونه به نقض مفاد «منشور» و سوءاستفاده از آن مبادرت ورزیده‌اند. ولی در عین حال شماره و توان نیروهای صلح و پیشرفت اجتماعی در سازمان ملل متحد نیز همواره رو به افزایش بوده است. میتوان گفت که این نیروها اینک سالهاست که پشتتازی را در این کشورها مسموم بین‌المللی آغاز کرده‌اند. دیگر آن دوران سپری شده است، که دولت‌های آمریکایی میتوانستند به «ماشین رای‌گیری» خود ببالند.

علیرغم این واقعیت، که اکنون ۳۵ سال از حیات منشور سازمان ملل متحد میگذرد، هدفهای اعلام شده در آن هیچ روی اهمیت مرم خود را از دست نداده است. چنانکه شاهدیم، بار دیگر آمریکایی‌ها، بزرگ‌ترین دشمنان سازمان ملل متحد، به تشریفاتی در سراسر کره زمین مشغول است.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی یادداشتی به اجلاس چهارم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، زیر عنوان «برای صلح و خلع سلاح و تقنین امنیت بین‌المللی» ارائه داشته‌اند. این یادداشت تنها یکی از پیشنهادهای و ابتکارات بیشمار این کشورها برای پیشبرد اصول «منشور» در زندگی بین‌المللی است.

خواست کشورهای سوسیالیستی آنست که سالهای هشتاد، دهه تحدید تلیحات و خلع سلاح باشد. سازمان ملل متحد می‌تواند و باید به عامل مهمی در راه پیشرفت این هدف والا تبدیل گردد.

مادر دمام نمی افتیم! شاهم از دامها حذر کنید!

(دربارهٔ اعلام جرم روزنامه «جمهوری اسلامی علیه نامهٔ مردم»)

حساس، تاکید کرد و گفت: «استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق بسیار حساس است و از طرفی ضدانقلاب نیز سعی بسیار کرده تا برنامه‌های در این منطقه اجرا کند...» (جمهوری اسلامی، ۴ آذر ۵۹)

نامهٔ «مردم» ضمن مقاله‌ای تحت عنوان «ضدانقلاب زمینه توطئه وسیعی را در سیستان و بلوچستان آماده می‌کند»، در شماره مورخ ۶ آذرماه ۵۹، ضمن نقل سخنان استاندار سیستان و بلوچستان (بخشی به نقل از «جمهوری اسلامی» مورخ ۴ آذر ۵۹ و بخشی به نقل از تلویزیون استان سیستان و بلوچستان مورخ ۱۸ مه ماه ۵۹)، به ستولان کشور در مورد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و آبادی در سیستان و بلوچستان هشدار داد و نوشت که: «باید با تمام نیرو آماده بود و این توطئه را خنثی کرد».

نامهٔ «مردم» همچنان که در افشای توطئه‌های ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران، روش همیشگی آنست، باز دیگر نسبت به این توطئه خطرناک در شماره ۱۱ آذرماه ۵۹ خود هشدار داد و در مقالهٔ خویش تحت عنوان: «توطئه و تحریکات آمریکا و پاکستان را در سیستان و بلوچستان افشا و خنثی کنید»، به این مساله پرداخت. در همین مقاله نامهٔ «مردم» در نقل قول یادشده از استاندار سیستان و بلوچستان، بار دیگر مطرح شده، ولی متأسفانه بعقل اشتباهی که در چاپخانه رخ داده است، هر دو نقل قول به «جمهوری اسلامی» مورخ ۴ آذرماه ۵۹ منسوب گشته‌اند.

اینست آن مطالبی که روزنامهٔ «جمهوری اسلامی» نسبت به آنبا اعلام جرم کرده و بمناسبت آن به ما دشنامهای غلاظ و شداد داده و افتراهای ناروا وارد ساخته است.

آیا روزنامه «جمهوری اسلامی» نمیتوانست بجای چنین برخورد غیرمنطقی، غیرقانونی، غیراخلاقی و خصمانه، این اشتباه را به‌صورتی که شایسته روزنامه‌ایست که خود را پیرو خط امام و مدافع اساس قانونی جمهوری اسلامی ایران، یعنی قانون اساسی میداند، تذکر دهد و نوشته‌های شماره ۴ آذر ۵۹ نامهٔ

روزنامهٔ «جمهوری اسلامی» در شماره مورخ ۱۳/۹/۵۹ خود علیه نامهٔ «مردم» اعلام جرم کرده و در متنی سرپا دشنام و توهین و افترا علیه حزب توده ایران، مدعی شده است که حزب توده ایران درصدد «سوءاستفاده‌های سیاسی بنفع ابرقدرت‌هاست» و میخراهد «خط ارتباطی با شرق و سرسپردگی به روسیه را در ایران ترویج دهد و عملاً بصورت ستون پنجم روسیه در ایران، عمل میکند!»

علت این خشم و کین تاسف‌آور، حیرت‌انگیز و غیرمنطقی و افتراهای که طرح هر کدام از آنها طبق موازین قانونی و مطبوعاتی جرم محسوب میگردد، ظاهراً آسته:

«در شمارهٔ ۳۸۴ نامهٔ مردم» مورخ سه‌شنبه یازدهم آذرماه، ۵۹، در صفحهٔ اول مطلبی تحت عنوان «توطئه و تحریکات آمریکا و پاکستان را در سیستان و بلوچستان افشا و خنثی کنید» درج کرده‌اند. در متن این خبر، از روزنامهٔ «جمهوری اسلامی» مورخ چهارم آذرماه مطلبی نقل شده است که سراسر جعل و تحریف است. روزنامهٔ حزب توده ظاهراً بنقل از روزنامهٔ «جمهوری اسلامی» اظهارات استاندار سیستان و بلوچستان را بیان کرده‌است. در صورتیکه اظهارات مزبور بهیچوجه در اصل خبر وجود ندارد. (جمهوری اسلامی، ۱۳/۹/۵۹) پیشک خواننده از خود خواهد پرسید که: نامهٔ «مردم» چه مطلبی را به «جمهوری اسلامی» منسوب کرده است که از نقل این روزنامه «سوءاستفادهٔ سیاسی بنفع ابرقدرت‌ها» و «ترویج» «خط ارتباطی با شرق و سرسپردگی به روسیه» تلقی شده است. و این روزنامه بخود حق داده‌است به حزب توده ایران افترا بزند که «ستون پنجم روسیه در ایران» است. و سرانجام، محصل «اعلام جرم» چیست؟

روزنامه «جمهوری اسلامی» در این مورد کاملاً سکوت می‌کند و حتی نمیگوید که آن مطلبی که وی انتساب آن را به خویش رد میکند، صحیح است یا خیر. روزنامه «جمهوری اسلامی» همچنین با اطلاق صفت «سراسر جعل و تحریف» به خبر مذکور، تلویحاً، صحت آنرا مردود می‌شمارد.

و اما واقعیت چیست؟ استاندار سیستان و بلوچستان، پس از شهادت ۱۱ پرسنل زاندامری توسط اشرا، در یک مصاحبه در تاریخ ۱۸/۷/۵۹ با تلویزیون استان گفت: «ما این را یک مسئله کوچک تلقی نمیکنیم. من مطمئن هستم و یقیناً با اطلاعاتی که در اختیار دارم می‌دانم، این یک جزئی از برنامهٔ کلی ضدانقلاب خارجی و داخلی است و مخصوصاً در این شرایط که سعی می‌کنند سر ما را در جای دیگری هم گرم نگاهدارند، در این بین که دولت یعنی جنایتکار بعث عراق در غرب مشغول قلع و قمع است و بروی مردم یزدافع و یگانه یب می‌ریزد، اینجا هم ایادی آنها، ایادی آمریکا، آن‌کسانیکه منافقان درمنطقه، بنظر افتاده و بخصوص برای اطلاع شما عرض بکنم که ما درهای بختیاز را هم در این طرف دیدیم»

استاندار سیستان و بلوچستان پس از ملاقات با امام خمینی نیز بر توطئه‌های ضدانقلاب در این منطقه

برال سیاست برتری طلبانه پکن: امنیت کشورهای خاوری و جنوب خاوری آسیا به خطر افتاده است

☆ پکن رویای تسلط بر آسیا را در سر می‌پروراند

در حالیکه اوضاع اقتصادی چین با ناسامانیهای زیاد دست به گریبان است، رهبران مائوئیست پکن در اجرای هدفهای تجاوزکارانه و جاه‌طلبانهٔ خود، کسترش نیروی جنگی را سرسخانه تقییب میکنند، کارشناسان نظامی ژاپن در این زمینه از جمله به معاهدات تسلیحاتی چین با خارج اشاره می‌کنند. نظامیان ژاپن به تغییر استراتژی نظامی چین از جنگ گسترده جهانی به جنگهای محلی اشاره می‌کنند و عقیده دارند که تجاوز سال گذشته چین به ویتنام، نمونه‌ای از این استراتژی جدید است و بنابراین کشورهای منطقه نمی‌توانند احساس امنیت کنند.

از سوی دیگر چند روزنامه هنگ کنگی از یک مبارزه شدید در داخل رهبری چین خبر می‌دهند. هر دو گروه در کردار این مبارزه داخلی به تسلط چین بر آسیا معتقدند. اما گروه اول میخواهد این کار بمحض آنکه برنامه‌های نظامی کنونی به پایان رسید آغاز شود، در صورتیکه گروه دوم اعتقاد دارد که باید تا تکمیل سلاحهای ویژه بر تاپ پیکان هسته‌ای منتظر ماند.

امپریالیسم آمریکا هزینه تجاوز پاکستان به حقوق خلفای منطقه را تامین می‌کند

تصمیم صندوق بین‌المللی پول در مورد اعطای یک اعتبار یک میلیارد و ششصد میلیون دلاری به رژیم دست نشانده ضیاعالحق در شبه قاره هند بازتاب گسترده‌ای داشته است. صندوق بین‌المللی پول، که زیر سلطه امپریالیسم آمریکا است، اعلام کرده است یک وام یک میلیارد و ششصد میلیون دلاری در اختیار پاکستان قرار دهد تا این کشور به اقتصاد خود «سروسامان» دهد.

رژیم دست‌نشانده ضیاعالحق با افزایش بی‌سابقه هزینه‌های نظامی، بار سنگینی بردوش زحمتکشان و توده‌های محروم پاکستانی قرار داده و اقتصاد کشور را به‌استانه ورشکستگی کشانده است. دولت مزبور ضیاعالحق بمسئور اربابان آمریکایی خود، کشور را به پایگاه آشکار توطئه و تجاوز علیه هند و افغانستان، تبدیل کرده است و با اصلاح وام صندوق بین‌المللی پول به پاکستان در واقع تامین هزینه‌های این توطئه‌ها توسط امپریالیسم جهانی، به‌سرگردگی آمریکای جنایتکار است. ولی در حقیقت این مردم پاکستان هستند که باید هزینه سنگین تجاوز رژیم دست‌نشانده ضیاعالحق، به خلفای دیگر را با قیمت فقر و خانه‌خرابی خود بپردازند.

دیدار یاسر عرفات با مشاور دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی دردمشق

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، ملاقات و گفتگو کرد. کوزتسوف در جریان اقامت خود در دمشق، با

رویدادهای جهان

رژیم صهیونیستی اسرائیل از کار کنگره اعراب اسرائیلی جلوگیری کرد

صهیونیستهای تل‌آویو، که همراه با هیالکهای آمریکایی خود سنگ «حقوق بشر» را به سینه می‌زنند، ماهیت خود را با جلوگیری از برگزاری کنفرانس اعراب‌متمدیده اسرائیلی بار دیگر نشان دادند.

سناخیم بکین، سردسته صهیونیستها، طی فرمانی جریان کار «کنگره اعراب اسرائیل» را، که قرار بود در یکی از شهرهای عرب‌نشین اسرائیل برگزار شود، متوقف کرد. این کنگره بنا همکاری حزب کمونیست اسرائیل، که پیگیرانه از منافع اعراب اسرائیلی در برابر جنایات صهیونیستهای تل‌آویو حمایت می‌کند، سازمان‌دهی شده بود. بکین برای این اقدام پیش‌مانه خود به قوانین مربوطه دوران استعمار انگلیس بر فلسطین استناد کرده‌است.

لازم به یادآوریست که تعداد اعراب اسرائیلی (این عددها غیر از اعراب سرزمینهای اشغالی هستند) بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر است، که با آنان بعنوان شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود.

اتحاد شوروی از مبارزه برحق خلقهای عرب از جمله خلق قبرمان فلسطین را ابراز داشت. عرفات از حمایت قاطع اتحاد شوروی سپاسگزاری کرد.

پرو قرار پاد اتحاد همه نیروهای صدامپریالیستی و دمگراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

آیدا سازمان حزب در همدان ۹۲۵۰ ریال ۵۰۰۰۰ ریال

علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کمنش وبه‌شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بیردازند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM	
No. 387	
6 December 1980	
Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همهٔ مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۹، منطقه پستی تهران

تجدید فعالیتها: تشدید فعالیتها، تجاوزکارانه برتری، طلبان چین علیه ویتنام و ائتوبی روابط خود را در همه زمینه‌ها گسترش می‌دهند